

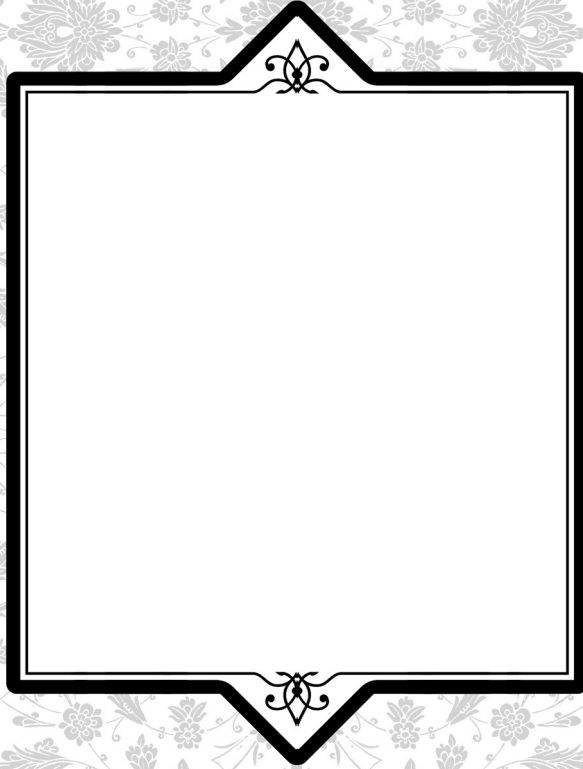
# صحیفه مقاومت ۲

مجموعه سروده‌های شاعران و مرثیه‌سرایان برای  
جنگ رمضان - اردیبهشت ۱۴۰۵ خورشیدی  
دفتر شعرآستان مقدس امامزاده اسماعیل علیه‌السلام زرگنده





കൃഷ്ണകവിയുടെ




سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



آستان قدس اسلامی از راه سازمان اسناد و کتابخانه ملی

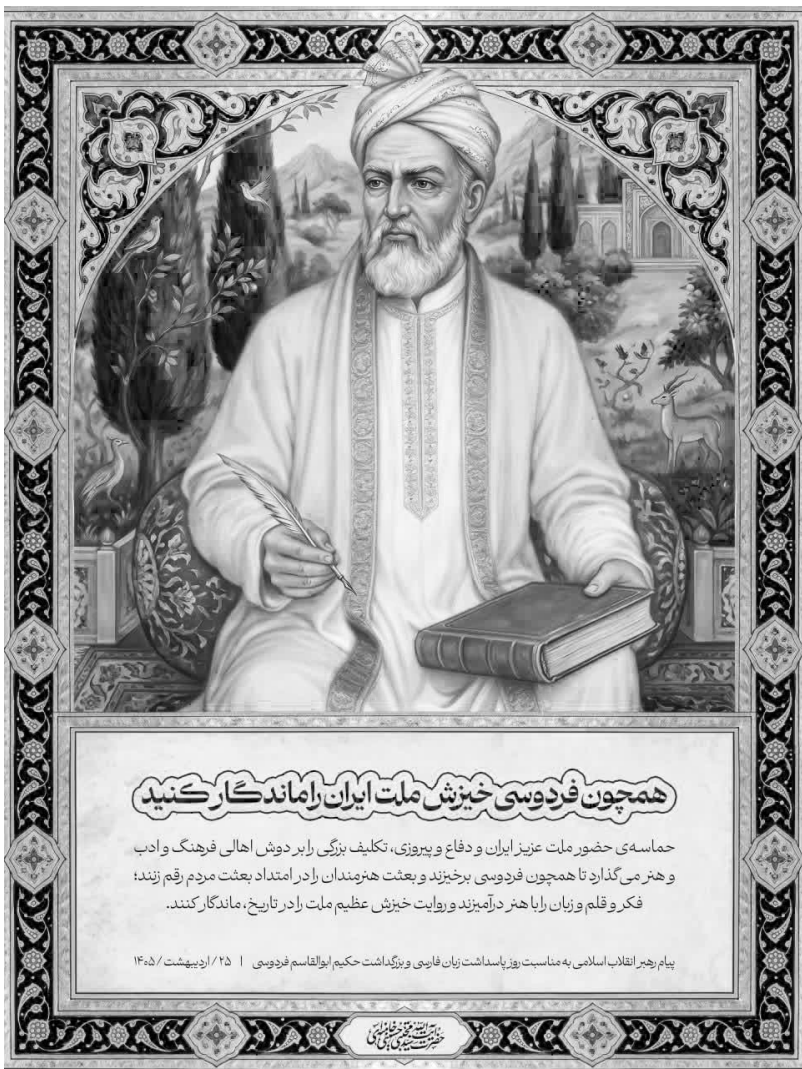


خانه ادبی زبان



# صحیفه مقاومت

مجموعه سروده‌های شاعران و مرثیه‌سرایان  
برای جنگ رمضان - اردیبهشت ۱۴۰۵ خورشیدی  
دفتر شعر آستان مقدس امامزاده اسماعیل علیه‌السلام زرگنده



## همچون فردوسی خیزش ملت ایران را ماندگار کنید

حماسه‌ی حضور ملت عزیز ایران و دفاع و پیروزی، تکلیف بزرگی را بر دوش اهالی فرهنگ و ادب و هنر می‌گذارد تا همچون فردوسی برخیزند و بعثت هنرمندان را در امتداد بعثت مردم رقم زنند؛ فکر و قلم و زبان را با هنر درآمیزند و روایت خیزش عظیم ملت را در تاریخ ماندگار کنند.

پیام رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسداشت زبان فارسی و بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی ۱ / ۲۵ / اردیبهشت / ۱۴۵۵

روز پاسداشت زبان فارسی  
بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی

# فهرست مطالب

۹ ..... اشعار کلاسیک

۱۱ ..... رهبر شهید

۴۹ ..... شهدای میناب

۶۱ ..... شهدای مقاومت

۷۷ ..... مقاومت و حماسه

۲۰۵ ..... بیعت

۲۱۳ ..... تصانیف

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«بشارت بعثت» آخرین اشارت او به امت بود و هیچ‌کس جز او نمی‌دانست این بعثت چه دامنه‌ی وسیع و عمیقی دارد. مبعوث شدگان از اهل قلم هنوز از جوشش آرام نگرفته‌اند و این‌طور که پیداست «تازه این سلسله آغاز شده» و حالا حالاها آرام نخواهند گرفت. «صحیفه‌های مقاومت» تلاشی است برای ثبت گوشه‌ای از این جوشیدن و خروشیدن، در بعثت تاریخی خوبان برگزیده؛ دریایی که همین حالا که اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ است بی‌کران شده و شعرهایی که دیگر تعدادشان بی‌نهایت است و قابل شمارش نیستند. به سهم ناچیزم، از شاعران ارجمند و دست‌اندرکاران عزیز تهیه‌ی این مجموعه تا عمق جان ممنونم.

کوتاه نکنند بحث سر زلف تو حافظ  
پیوسته شد این سلسله تا روز قیامت

## «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»

خیزش حماسی مردم و استقامت مثال زدنی آنان در حمایت از جبهه مقاومت و ایران اسلامی، توأم با استقبال بی نظیر از مجموعه صحیفه مقاومت (۱) - به گواه آثاری که بعد از انتشار آن مجموعه به دستمان رسید- در صدد آن برآمدیم که مجموعه دوم صحیفه مقاومت را پیشکش محضر تمامی مجاهدین و مبعوث شوندگان میدان نبرد حق علیه باطل نماییم. در اثنای این امر مهم بودیم که پیام رهبر عزیزمان امام سید مجتبی خامنه ای به مناسبت روز پاسداشت زبان فارسی و بزرگداشت بزرگ حماسه سرای شعر فارسی، حکیم ابوالقاسم فردوسی، طی این مسیر را روشنتر و بار این مسئولیت را بر دوش شاعران و هیات اجرایی این مجموعه سنگین تر از گذشته نمود. مع الوصف امید است صحیفه مقاومت (۲) که با استعانت از اسوهی مقاومت، حضرت سجاد علیه السلام به سفارش آستان مقدس نواده عظیم الشان ایشان حضرت شاهزاده اسماعیل علیه السلام زرگنده و توسط حلقه ادبی ریان با تلاش شاعران گرانقدر تهیه شده، مقبول نظر فرمانده مقاومت عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع گردد.

ندانی که ایران نشست منست  
جهان سر به سر زیر دست منست  
هنر نزد ایرانیان است و بس  
ندادند شیر ژبان را بکس  
همه یکدلانند یزدان شناس  
به نیکی ندارند از بد هراس  
دریغ است ایران که ویران شود  
کنام پلنگان و شیران شود  
چو ایران نباشد تن من مباد  
در این بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه روی یکسر بچنگ آوریم  
جهان بر بدانیش تنگ آوریم

همه سرسرتن به کشتن دهیم  
به از آنکه کشور به دشمن دهیم  
چنین گفت موبد که مرد بنام  
به از زنده دشمن بر او شاد کام  
اگر کُشت خواهد تو را روزگار.  
چه نیکوتر از مرگ در کارزار

هیات اجرایی صحیفه مقاومت

فائزه مهدوی، امیر اسدی و رضا جوان بخت

## شناسنامه اثر

مجموعه‌ی «صحیفه مقاومت» مشتمل بر ۲۶۵ اثر است که به تفکیک دارای ۲۳۷ شعر کلاسیک و نو و ۲۸ تصنیف می‌باشد. آثار این مجموعه در ۵ بخش شامل رهبر شهید، شهدای میناب، شهدای مقاومت، مقاومت و حماسه و بیعت تقسیم‌بندی شده است. برای تهیه این مجموعه از آثار ۴۴ نفر از شاعران گرانقدر استفاده شده است. اسامی شعرا:

مجتبی ابوطالبی	علی رنجبریان
سیدمسعود احمدی	فاطمه زاهدمقدم
محدثه اسماعیلی	صدیقه زودلی
مریم آقایی شوکی	سیدحسین صدقی
پوریا باقری	زینب عزیزپور
محسن بصیری‌راد	فاطمه غلامین
فاطمه پوررضایی مهرآبادی	محمدجواد قدرتی
سعید پورمحمد	فرزانه قربانی
محمدرضا توانا	مهدی قربانی
طاهره توحیدی‌فرد	مهدی کارگر
سجاد توکلی	نفیسه کاکابی
ابوالفضل جدیان‌شریبانی	مهدی کبیری
خسرو جولافیان	علی محلوجی
فریده حیدری	منصوره محمدی‌مزینان
سمانه خلف‌زاده	فاطمه محمودزاده
محمدمهدی خواجوئی‌راوری	محمد معروفی
وحید دکامین	سمیه مؤمنی
راضیه جتهداری	فاطمه نانی‌زاد
عارفه دهقانی	فاطمه نصیری
زهرا رحیمی	ندا نوروزی
سمانه رحیمی	حجت وطن‌دوست
حسین رضاییان	حسین یعقوبی‌وفا

## راهنمای استفاده از آثار

فایل های صوتی تصانیف در کانال صحیفه مقاومت در پیام رسان بله به نشانی زیر در دسترس می باشد.  
شناسه کانال در پیام رسان بله:

[@sahife\\_moghavemat](#)

آدرس اینترنتی کانال:

[ble.ir/join/DHczehAzz9](https://ble.ir/join/DHczehAzz9)



# اشعار کلاسیک



# رہبر شہید



## غزل | راضیه جبه‌داری | رهبر شهید

خون پیمبرزاده‌ای اعجاز کرده‌ست  
راه عبور از آسمان را باز کرده‌ست  
الله اکبر از سرود فتح قومش  
فتحی که دنیا را پر از آواز کرده‌ست  
از قلّه‌ی انسانیت می‌گفت و خورش  
پایان استعمار را آغاز کرده‌ست  
مشت گره کرده به هم پیوندمان داد  
همبستگی این قوم را ممتاز کرده‌ست  
خشم مقدّس در رگ هر شهر جاری‌ست  
حتّی خیابان را شگفتی‌ساز کرده‌ست  
ما از پریدن هیچ پروایی نداریم  
سیمرغ در این سرزمین پرباز کرده‌ست  
ما را خدا با خون او مبعوث کرده  
خون پیمبرزاده‌ای اعجاز کرده‌ست

غزل | اسمانه خلفزاده | رهبر شهید

آقای من! که از قفس تن رها شدی  
با خون وضو گرفتی و حاجت روا شدی  
چشم تو صبح بود شبِ غم گرفته را  
هر جا سکوت بود، صدای رسا شدی  
نور خدا به چهره‌ی ماهت نشسته بود  
بر کشتی شکسته دلان ناخدا شدی  
تنها پناهگاه تو، سجاده‌ی تو بود  
از این مسیر راهی کرب و بلا شدی  
رفتی به آسمان شهادت، حسین وار  
همچون ستاره، روشن بی‌انتهای شدی  
دیدار با امام و شهیدان چه دیدنی‌ست  
همراه جمع عشق، دعاگوی ما شدی  
عمری قرار بود فدایت شویم، آه...  
اما خودت به خاطر ایران فدا شدی



غزل | سمانه رحیمی | رهبر شهبید

تمام کوچه و برزن پر از غبار غم است  
 غمی که گرچه جگرسوز و سخت، محترم است  
 اگر تمام غزل‌ها سیاه جامه شوند  
 اگر همیشه بگیرد چکامه، باز کم است  
 جهان برای دلی که نشسته در سوگت  
 پس از تو حضرت ماه، آشیانه‌ی عدم است  
 اگر چه تلخ، اگر چه گزنده و سوزان  
 اگر چه سینه‌ی آمالِ ما پر از آلم است  
 هنوز زنده به عشقیم، عشق حیدری ات  
 هنوز اراده‌ی ما، با امید هم قدم است  
 کلیدواژه‌ی دیدار نیمه رمضان  
 هنوز جوهره‌ی اشتیاق، در قلم است  
 هنوز گوش به فرمان امر رهبری است  
 کسی که با ولی امر خویش هم قسم است  
 مدافعان حرم، فاتحان میدانند  
 تمام وسعت ایران برای ما حرم است

■ غزل | علی رنجبریان | رهبر شهید

سر را سپرد دست گریبان کربلا  
آن رهبری که بود مسلمان کربلا  
راهش همان راه حسینی است تا ابد  
هم سنگر حبیب و سلیمان کربلا  
بر زیر بار ظلم و ستم او نرفت، هیچ  
رو کرد سمت خیمه‌ی سلطان کربلا  
گویی شهید بود و شهیدانه جان سپرد  
این‌گونه بوده جزء شهیدان کربلا  
جانش به لب رسید به هنگام روضه‌ات  
چون بود او ز مرثیه‌خوانان کربلا  
عزم سفر که کرد دل ما کباب شد  
سامان گرفت در بر جانان کربلا  
چون زیر بیرق احدی جز قمر نرفت  
مهرش نشست بر دل سلطان کربلا  
آن رشته‌های پیره‌ن کهنه‌اش مرا  
انداخت یاد پیره‌ن جان کربلا  
لب تشنه بود و وقت تلاوت شهید شد  
آری شبیه بود به عطشان کربلا  
«زان تشنگان هنوز به عیوق می رسد  
فریاد العطش ز بیابان کربلا»



## غزل | فاطمه زاهد مقدم | رهبر شهید

قرار بود که باشیم جان فدای شما  
به سمت قلّه بیاییم پا به پای شما  
خبر عجیب، خبر ناگهان، خبر این بود...  
که ما سیاه پوشیم در عزای شما  
نماز عید شد و سال هم جدید شد و...  
چقدر هی دلمان تنگ شد برای شما  
چگونه بعد شما فاطمیه جان ندهیم  
در آن حسینیه با یاد گریه‌های شما  
چهل شب است که پیچیده در خیابان‌ها  
شمیم خون به جامانده بر عبای شما  
و روز بعد، از امروز بی قرارتریم  
که انتقام بگیریم با دعای شما  
که لحظه لحظه خیابان گواه ماست هنوز  
قدم قدم همه هستیم پا به پای شما

غزل | حسین سامانی پورا رهبر شهید

اگر هنوز نهالی که کاشتی نشکسته  
قیام عزّت و مردانگی اگر ننشسته  
اگر هنوز خیابان پر از شلوغی عشق است  
نشد اگر نفس از گفتن کلام تو خسته  
تو خود تجلی نوری ولی چه چشم‌نواز  
تألوی که کسی چشم روی نور نبسته  
دوای دوری عشاق قصّه پردازی ست  
امیدمان به همان لحظه طلوع خجسته  
شبهه مشت گره کرده‌ات میان هر انگشت  
تفاوت است ولی لاله نزد سرو نشسته



غزل | فاطمه غلامین | رهبر شهید

دلم می خواست روزی شعله باشم در حضور تو  
 بخوانم بیت بیتی شعرِ تر، در وصف نور تو  
 به روی صندلی، آرام، بنشینی به استقبال  
 و من غرق تماشا می شدم، محو غرور تو  
 عبایت بوی باران داشت، دستت بوی آرامش  
 دلم می خواست می مردم برای آن حضور تو  
 دلم می خواست می خواندم کنارت از غزل هایم  
 از آن شعری که تب کرده هم اینک در عبور تو  
 دلم می خواست می خواندم میان حلقه ی یاران  
 غزل هایی که می جوشید از عشق حضور تو  
 تماشای صف عشاق و آن لبخند شیرینت  
 چه حالی داشت، در آن محفل غرق سرور تو  
 دریغا سهم من حالا فقط لبخندِ در قاب است  
 فقط داغ است و دلتنگی و یادِ پُر ز شور تو  
 اگرچه رفتی و بارِ فراقِ روی دوش ماست  
 همیشه زنده می ماند مسیر غرق نور تو  
 شهید راه حق گشتی و حالا در پناه حق  
 خوشا بر حال شعری که بخواند از عبور تو

■ غزل | فرزانه قربانی | رهبر شهید

به خونخواهی از تو همه یکصدا جان شدیم  
دلیرانه هم عهد خون شهیدان شدیم  
قدم‌های محکم به یاد تو برداشتیم  
سپاه پیاده نظام خیابان شدیم  
نمی‌دانم اعجاز داغ عظمت چه بود؟  
که ما هم رسولانه مبعوث میدان شدیم  
به شمشیر مولا علی اقتدا کرده‌ایم  
اگر بر گلوی ستم تیغ بران شدیم  
روایت کن اندوه چشمان ما را، ببین  
چگونه چهل شب برای تو باران شدیم  
شهادت در آغوش آرام شد، ما ولی  
همه هیئتی تا همیشه پریشان شدیم  
تو رفتی و با مشت‌های گره کرده‌مان  
خیابان، خیابان علمدار ایران شدیم

رهبرم را ناجوانمردان بی وجدان زدند  
 در میان دفترش در مرکز تهران زدند  
 ناخدای کشتی این انقلاب عشق را  
 بین امواج بلند و سرکش طوفان زدند  
 آن علمدار امام عصرمان را دشمنان  
 چون ابوفاضل عمویش، بر سر پیمان زدند  
 یوسف ما را که در زیبایش مثلی نداشت  
 آن حسودان خدانشناس، در کنعان زدند  
 دشمنان داخل و خارج هجوم آورده‌اند  
 قوت دل‌های ما را بین این بحران زدند  
 او پناه شیعیان در عصر غیبت بود و رفت  
 این پدر را آن جنود تابع شیطان زدند  
 دیکتاتور خواندند آن پیر ز جان گذشته را  
 بر مراد مهربان ما چنین بهتان زدند  
 حجت حق را شیهه جدّ مظلومش حسین  
 آن حرامی‌های پست بدتر از حیوان زدند  
 خون حق بود و بجوشد از رگ هر یک ز ما  
 فکر می‌کردند دیگر ریشه‌ی ایران زدند  
 ما به حکم رهبری در قلب میدان حاضریم  
 دشمنان بی‌خرد بر خویشتن خسران زدند  
 خون رهبر کرده امضاء حکم نابودی‌شان  
 می‌شوند آخر پشیمان، دست بر طغیان زدند

اشعار کلاسیک | رهبر شهید

رهبر ما با امام عصر رجعت می کند  
دشمنان با دست خود مهری بر این پایان زدند

غزل | نفیسه کاکایی | رهبر شهید

او رفت که اضطرار آید به میان  
هجران و فراق یار آید به میان  
خالص شود استغاثه‌ها به فرج  
صدها دل بی‌قرار آید به میان  
این داغ شود محرک جنگ و جهاد  
تا موشک انزجار آید به میان  
سستی برود ترس ز جا برخیزد  
یک ملت پای کار آید به میان  
چون کوه شود اراده‌ها در ره حق  
با قدرت و استوار آید به میان  
از هیبت‌شان لرزه افتد بر تن خصم  
با عزت و اقتدار آید به میان  
مردم همه سینه چاک مهدی گردند  
یک لشکر بی‌شمار آید به میان

غزل | نغمه‌ساز کاکایی | رهبر شهید

رفتی به شهادت طی افلاک کنی  
این جلوه‌ی عشق را هم ادراک کنی  
الگو شدی از هر جهت ای رهبر ما  
تا همچو پدر، امت خود پاک کنی  
دیدم که به بی‌تفاوتی خو کردیم  
رفتی که دگر سستی ما خاک کنی  
طومار بلند فتنه در هم پیچی  
ما را ز غمت غیور و چالاک کنی  
از بهر شکست کامل اسرائیل  
پر شور و مصمم‌تر و بی‌باک کنی  
شمشیر فراق خویش صیقل دادی  
تا این دل خون ما تو صد چاک کنی  
آن گاه دل مضطربان را به دعا  
از بهر فرج راهی افلاک کنی...

عمری دعا کرده بودم وقتی که جنگی به پا شد  
 قربانیات باشم اما جان تو قربان ما شد  
 دیشب که کردم هوایت، با دیدن عکس‌هایت  
 بین من و چشم‌هایت حرف مگو جابه‌جا شد  
 ای نور تابانم ای ماه، شد قصه‌ی ما چه کوتاه  
 کاری ندارم به جز آه... این قصه بد جا را شد  
 این غصه‌ی مبهم من، حال بد و درهم من  
 بی‌تو علاج غم من، این اشک بی‌انتها شد  
 با این‌که حرف از خطر بود در تو ولی بی‌اثر بود  
 چون با تو صدها جگر بود، از تو نباید جدا شد...  
 روح تو رد شد از آتش، سرزنده‌تر از سیاوش  
 بیدار شد با تو آرش، با تو حماسه به پا شد  
 بیدار کردی زمان را، آزادگان جهان را  
 مانند جدّ غریبت، خون تو خون خدا شد  
 آن ماجراها که رخ داد آن‌روز در خانه‌ی تو...  
 مرگ غریبانه‌ی تو... یک پرده از روضه‌ها شد  
 کشتند پیر و جوان را، در مدرسه کودکان را  
 بشنو خروش زنان را... ایران تو کربلا شد  
 کشتند اما نمیراست روح اساطیری ما  
 ایران شبیه همیشه پیروز این ابستلا شد  
 ای آن‌که نامت «امین» است، راه تو راهی مبین است  
 پایان تو این چنین است «در راه میهن فدا شد...»

غزل | حجت وطن دوست | رهبر شهید

ای نفس زکیه به یقین ذبح عظیمی  
افتد به سر ما همگی گرد یتیمی  
مانند علی شد مَثَل رفتنت ای عشق  
در ماه خدا محضر معراج کریمی  
مانند حسین با همه فرزند و عیالت  
لب تشنه سر سفره‌ی احسان قدیمی  
ابری شده چشمان و گرفته دل عالم  
با اشک به پا کرده چه طوفان نسیمی  
با قاسم و سید حسن و خیل شیهدان  
برپا شده در عرش خدا جمع صمیمی

## چهارپاره | حسین دهلوی | رهبر شهید

یاد باد آن شبی که با شعرا  
گرم لبخند و گفتگو بودیم  
در صفوف نماز، چشم به راه  
همه در انتظار او بودیم  
ناگهان می‌رسید سرو روان  
گل لبخند بر لبش پیدا  
میشد آغاز از همان لحظه  
بهترین میهمانی دنیا  
یاد آن چند ساعت شیرین  
شادمان کرده بود عالم را  
که صدایی شبیه بمب شکست  
شیشه‌ی نازک خیالم را  
مثل اخبار چند ماه اخیر  
این خبر نیز سخت سوزان بود  
سحری تیره، بامدادی سرد  
داغ تلخی برای ایران بود  
رمضان بود و باب جنّت باز  
ناگهان پرکشید خامنه‌ای  
آه هرگز دلم نمی‌آید  
بنویسم شهید خامنه‌ای  
اشک می‌ریزم و دلم خون است  
وقت افطار نیمه‌ی رمضان

حال مانده‌ست در دلم بی او  
داغ دیدار نیمه‌ی رمضان  
باز دلتنگ دیدنش هرشب  
گوشه‌ای غصّه‌دار و گریانم  
بعد افطار در خیالاتم  
پیش او عاشقانه می‌خوانم



سلام قرار قلب من به خواهش:  
میشه باهام حرف بزنی عزیزم؟  
میشه یکم سر بزارم رو عکسات  
دوباره بی بهونه اشک بریزم؟

درسته قول دادم بهت همیشه  
نه نا امید بشم نه کم بیارم  
بزار یکم باهات صمیمی ترشم  
تنها تویی که من باهات ندارم

میگم اگه جسارتی نباشه  
اگه میشه سوالمو بپرسم؟  
تو رفتی من چرا پریشون شدم  
میشه دلیل حالم بپرسم؟

میگم مگه تو عمق زیرزمینا  
تو امنیت، تو سنگرت نبودی؟  
به حرفایی پشت سرت می زدن  
اینکه تو خاک کشورت نبودی

یه عده هی پشت سرت می گفتن  
به فکر مردمت نبودی امّا  
چرا یه بارم که شده نرفتی  
با خانوادهاش سفر کرینا؟

انگاری راس می‌گن که رفتی سفر  
حقیقته... خب نمیشه باورم  
رفتی سفر اونم با خونواده‌ات  
این سفر آخریتو... رهبرم؟

کشته من و عبای گرد و خاکیت  
کشته من و حسرت یک کربلات  
کاش که می‌شد به اربعین از ایران  
بریم باهم به سمت آرزوهات

نافله‌ها تکی یکی اثر کرد  
آخر تو هم به آرزوت رسیدی  
انفده به شهیدا غبطه خوردی  
خوش به حالت حالا تو هم شهیدی

حالا که از خدا نبوده پنهنون  
از تو چه پنهنون خوبه که بدونی  
شهد شهادت نوش جونت اما  
کاشکی میشد کنارمون بمونی

ولی اینم بهت بگم... علمدار  
علم نمونده بعد تو رو زمین  
تو دل میدون و توی خیابون  
نگم برات، خودت بیا و ببین

تو رفتی و یه عده توبه کردن  
دیدن کنارشون کی بود تو میدون  
دیدن غریبه‌ها خودی نمیشن  
پدرگشی همیشه داره تاوون

هرچی نگشتی دنیارو تو عمرت  
داری دیگه می‌گردی دور دنیا  
شهید شدی و زنده‌تر دوباره  
افتاده اسمت رو سرِ زیونا

تو روز رجعت با سپاه خورشید  
ماه شبام! یه روزی برمی‌گردی  
آسمونا ستاره بارون میشن  
نه غصه‌ای می‌مونه و نه دردی

کاش که می‌شد بیهو یه روز بی‌هوا  
پرده بره کنار و خورشید بیاد  
پیام تبریکِ بهاری‌ات... آقا  
نوبرونه تو فصل امید بیاد



❖ **رباعی** | منصوره محمدی‌مزینان | رهبر شهید

بی‌واهمه کابوس شب دشمن شد  
مانند علی، قاتل اهریمن شد  
با مشت گره کرده‌ی فرمانده ما  
تکلیف جهاد تا ابد روشن شد

❖ **رباعی** | منصوره محمدی‌مزینان | رهبر شهید

از قدرت سرخ نام تو می‌ترسد  
از پرچم سبز بام تو می‌ترسد  
با این همه ادعا چرا پس صهیون  
هر لحظه از انتقام تو می‌ترسد

❖ **رباعی** | منصوره محمدی‌مزینان | رهبر شهید

هر چند که اخبار تو از خون سرخ است  
معنا به چه سر سبزی و مضمون سرخ است  
سید علی حسینی خامنه‌ای  
از سیلی تو صورت صهیون سرخ است

❖ **دوبیتی** | منصوره محمدی‌مزینان | رهبر شهید

دلَم صحرای غم، چشم‌امه دریا  
عزیزم رفته آه، از دار دنیا  
بیا برگرد با خیل شهیدا  
بِنَفْسِ آنست، مولا، یابن زهرا

▣ **دوبیتی** | منصوره محمدی مزینان | رهبر شهید

شنیدم مثل جدش تشنه بوده  
شنیدم از شهیدان دل ربوده  
امین شاعران در بزم دیدار  
غزل‌های شهادت می‌سروده

▣ **دوبیتی** | منصوره محمدی مزینان | رهبر شهید

چهل روزه ندیدم ماهِ روشو  
چهل روزه که دارم آرزوشو  
چهل روزه می‌گردم تو خیابون  
نسیم شاید بیاره عطر و بوشو

▣ **دوبیتی** | منصوره محمدی مزینان | رهبر شهید

یه عمر تو زندگیش مرد خدا بود  
واسه مردم همیشه جان فدا بود  
یه عمری گریه کرده توی روضه  
بمیرم حسرتش کرب و بلا بود

▣ **دوبیتی** | منصوره محمدی مزینان | رهبر شهید

امیدش بود فقط، آقا ابالفضل  
رو لب‌هاش یا حسین و یا ابالفضل  
به زیر بی‌رق هیچ‌کی نرفته  
تو دار این جهان، آلا ابالفضل



❖ **دوبیتی** | منصوره محمدی مزینان | رهبر شهید

تو که پرچم به دستم می‌سپاری  
شهیدم، تا همیشه ماندگاری  
از اینکه بعد تو من زنده هستم  
ندارم غیر حس شرمساری

❖ **دوبیتی** | منصوره محمدی مزینان | رهبر شهید

نگاه دل نشین تو مرا کشت  
وداع آتشین تو مرا کشت  
چهل روزه که تشییعت نکردیم  
شهیدم، اربعین تو مرا کشت

نیمایی | محدثه اسماعیلی | رهبر شهید

سال هاست

بعد دیدن شکوه بی نظیر او

ذهن حق‌پذیر من

خانه‌ی سوأل‌هاست

این درخت استوار

خاک پاک ریشه‌اش

راز دل‌نشینى همیشه‌اش کجاست؟

چگونه او که یک جهان

کیش و مات وعده‌های صادقش شده‌ست

گاه دشمنش به محض دیدنش

سخت عاشقش شده‌ست؟!

چگونه هم عزیز قلب سالخورده‌هاست

هم عزیز قلب کودکان؟!

نه یک لباس نو!

نه عینکی گرا!!!

اگرچه این وجود قهرمان

رهبر تمام قلب‌های روشن است

او امام ساده‌ی من است

صحيفة مقاومت



٤٠



# شهدای میناب



## غزل | فریده حیدری | شهدای میناب

اندازه‌ی هفت آسمان غم دارم امشب  
 پس پابه‌پای ابرها می‌بارم امشب  
 شاید خدا از آسمان پایین بیاید  
 تا سر در آغوش خدا بگذارم امشب  
 در آسمان‌ها هم عزای عشق برپاست  
 من هم به پای آسمان بیدارم امشب  
 بمب و گلوله جای برف از آسمان ریخت  
 در گوش‌های ساکت دیوارم امشب  
 از صوت موشک تا سکوت بچه‌هایم  
 چندین عروسک از زمین بردارم امشب؟!  
 در نیمکت‌ها مان به جای دخترانم  
 چندین گل آلاله را بشمارم امشب؟!  
 آه ای مسلمانان مسلمانی کجا رفت؟!  
 از زنده مردن خسته و بیزارم امشب  
 باشد که روزی از سفر بگردد آقا  
 من چشم در راه همین دیدارم امشب...

■ غزل | فریده حیدری | شهدای میناب

هیئات اگر همت‌مان کم شده باشد  
حتّی اگر از غصّه کمر خم شده باشد  
حتّی اگر این جان، به ستوه آمده باشد  
یا شهر به شهر دل‌مان بم شده باشد  
دنیا پرکاهی، سرسوزن نمی‌ارزد  
وقتی همه جا سایه‌ی ماتم شده باشد  
وقتی به دل مدرسه موشک زده باشند  
وقتی دل شیطان دل آدم شده باشد  
یک باغ پر از گل که تو پروردیش آن را  
در دست خطر درهم و برهم شده باشد  
میناب نه میناب که انگار همین تو!  
یک موی سر دخترتان کم شده باشد!  
یک شهر جلو دار غضب‌های شما نیست  
یک ذره سرگونه‌ی او نم شده باشد!



## غزل | فرزانه قربانی | شهدای میناب

از بس که زخم داغ تو بر سینه‌ها کاری ست  
اشک دماوند و دنا هم بی‌صدا جاری ست  
کیف و کتاب و دفتر خونین تو، حتی  
مشق به خون آغشته‌ات گرم عزاداری ست  
من به عروسک‌های تو هم تسلیت گفتم  
بر قلب‌های داغ‌دیده وقت دلداری ست  
عطر تو را گم کرده زیر خاک‌ها انگار  
این روزها کار نسیم آواربرداری ست  
شمع مزارت می‌شود تا صبح و می‌بارد  
سوسوی اشک مادر تو رمز بیداری ست  
باید برای رفتنت شروه بخواند شهر  
حالا که کوچ زود هنگام تو اجباری ست

■ غزل | محمد مهدی خواجویی راوری | شهدای میناب

عبّاس باز رفته به دنبال خواهرش  
زینب دوباره شد نگران برادرش  
مشق رقیبه با خط زیباش سوخته  
مانده‌ست زیر کوهی از آوار دفترش  
اینجا قد تمام پدرها خمیده است  
اینجا حسین سوخته از داغ دخترش  
اینجا ریاب، تکیه به دیوار داده است  
چشم انتظار پاره‌ای از جسم اصغرش  
اینجا معلّمی که به ما درس عشق داد  
پروانه‌وار سوخت سراپای پیکرش  
دنبال فاطمه‌ست علی بین شعله‌ها  
اما شکسته، سوخته پهلوی همسرش



## غزل | نفیسه کاکایی | شهید مفقودالایر ماکان نصیری

مفقود الاثر شدی که جاوید شوی  
بر بام سحر، نماد خورشید شوی  
اجزای تنت شده‌ست قربانی دوست  
تا بی سرو تن جلوه‌ی توحید شوی  
ققنوس شدی به دامن آتش و دود؛  
تا آنکه هزار باره تجدید شوی  
هر کودکی میهنم، شده پیرو تو  
تا غنچه‌ی من، مرجع تقلید شوی!  
عطر تو تمام آسمان را پر کرد  
تا آنکه به هر نفس؛ تو تشدید شوی  
میناب گره خورده به نامت، ماکان  
اینگونه خدا خواست که تمجید شوی

■ غزل | فاطمه نانی‌زاد | شهدای میناب

دخترک پر وا نکرده، ناگهان پروانه شد  
باغ داغی دید و با لبخندها بیگانه شد  
آه از آن پاییز خونریزی که بر جانت نشست  
پیش چشم مادرت گویا اناری دانه شد  
کوچه کوچه آسمان نام تو را فریاد زد  
عطر تو پیچید و موی بید مجنون شانه شد  
باد، ویرانگر وزید و در پریشانی آن  
گیره‌ی موی تو وا شد، پنجره دیوانه شد  
گوش کن! اینجا...! عروسک‌ها صدایت می‌زنند  
باز وقت قصّه‌ات ای دختر دردانه شد  
بغض کرده در اتاقت برگ برگ دستری  
دست خطّ مانده، خانه بعد تو ویرانه شد  
مدرسه یادت نخواهد رفت پرواز تو را  
مدرسه در خون تپید و مدرسه افسانه شد  
روضه‌ها ما را دوباره برد دشت کربلا  
شهر خیسِ گریه‌های روضه‌ی ریحانه شد

## ❖ مثنوی | مجتبی ابوطالبی | شهدای میناب

بلند شو که رسیده است صبح آزادی  
 همان بهشت برینی که قول می‌دادی  
 برقص و کِل بکش از هدیه‌های بمب‌افکن  
 بلند شو که بینی چه آمده به وطن  
 صدا، صدای نفس‌گیر انفجار آمد  
 و بعد آن، خبری تلخ و ناگوار آمد  
 شکست موج صدا چارطاق پنجره را  
 سکوت برد به تاراج تار حنجره را  
 همین که مدرسه‌ای را زدند موشک‌ها  
 گرفته گرد یتیمی دل عروسک‌ها  
 چقدر غنچه‌ی نشکفته زیر آوارند  
 کتاب و دفتر و خودکارها عزادارند  
 نگاه کن به تِل صورتی به گیره‌ی مو  
 به دستبند و النگو به گوشواره‌ی او  
 چگونه پاک شود از جنابت شیطان؟  
 لباس ورزشی خون‌گرفته‌ی پسران  
 به توپ، بسته شده تیر و تور دروازه  
 برای اینک نروید گلی تر و تازه  
 شما که نمره‌ی تان روز امتحان شد بیست  
 صدای خنده چرا در حیات مدرسه نیست؟  
 کجاست پیچ یکریز انتهای کلاس؟!  
 کجاست هممه‌ی گرم بچه‌های کلاس؟!

کجاست نظم جهانی؟ چه شد حقوق بشر؟  
صلیب سرخ مگر بوده جز تماشاگر؟  
فقط بیانیهای ظاهری بدون عمل  
نتیجه داده مگر کار سازمان ملل؟  
سکوت، پاسخ کشتار بی گناهان نیست؟  
سکوت، واکنش قتل عام انسان نیست؟  
بلند شو که ببینی، هنوز هم خوابی  
کمک رسیده به گلچهره های مینابی  
کجاست موسم شادی؟ کجاست آزادی؟  
کجاست وعده وعیدی که قول می دادی؟

دلت به آسمون غرق نور بود  
نگاهت کهکشون آرزوها  
پراز پرواز بودی مثل گنجشک  
پریدی بی‌هوا از خواب دنیا

تو جنگیدن رو بازی کرده بودی  
حالا جدی شدی سرباز میهن  
تفنگت رو بگیر محکم تو دستت  
میدونم که ازت می‌ترسه دشمن

شبیهِ موشکای کاغذی شو  
تا اوج آسمونا خیز بردار  
وجودت مثل الماسه، میدونم  
به روزی می‌درخشی مثل سردار

نترسی از هیولا، جان مادر  
به خط کن ارتش عروسکاتو  
خیالم تخته، هر جایی که باشی  
خدای مهربون داره هواتو

جهانِ تو، جهانِ بچگی بود  
تو قصه راهی میدون شدی تو  
مگه قایم‌باشک بازی می‌کردی  
زیر آوارها پنهون شدی تو

گذشتی از غبار وحشت و درد  
به آرامش رسیدی توی رویا  
برات لالایی میخونه فرشته  
که خوابت می‌بره رو دوش ابرا

### چهارپاره | سمانه رحیمی | شهدای میناب

به رود رودِ دل مادران غمدیده  
به آسمان که سیه‌پوش داغ مهتاب است  
سرود فتح مبین می‌رسد به گوش بهار  
اگر چه مام وطن شَرُوه‌خوان میناب است

## ترانه | محدّثه اسماعیلی | شهدای میناب

پسرم مردی شده واسه خودش، آقا شده  
روزای نبودن باباش، مٹ بابا شده  
می پره توو بغلم سر می ذاره روو دامنم  
میگه: «بابایی نباشه مرد این خونه منم»  
قربون قدّ و بالاش، خودش میره تا مدرسه  
دستای کوچیکشم داره به تخته می رسه  
نیمیره تا آیت الکرسی براش فوت بکنم  
انقده ببوسمش لپاشو شاتوت بکنم  
صب به صب بهش میگم مامان جونم دیر نکنی!  
بهو سرگرم نشی یه جا نری گیر نکنی!  
وقتی پای اتو کردن لباساش می شینم  
توو دلم می گم که: «توو رخت دومادیش بینم»  
روی بوم مدرسه، گنجشکک اشی مشی  
برو تا بعد خدا تو هم مواظبش باشی  
پسرم مهربونه، بری برات دون می پاشه  
لقمشو وا می کنه گردو و ریحون می پاشه  
انقده مهربونه، به مورچه‌ها غذا میده  
عیدیای خودشو عیدی به بچه‌ها میده  
چی میگن مامان، اینا؟ میگن که زیر آواری  
تو مگه نگفتی واسه افطارم نون میاری؟!  
آهنا! سنگا! برید کنار و راهو وا کنید  
پسرم توو روضه‌ها سینه زده، حیا کنید

همه ریختن روو تن تو، در و دیوار نداره  
سینه‌ی کوچیک تو طاقت آوار نداره  
پیدا کردم کیفتو یه جا و دفترت یه جا!  
دست و پاهاتو یه جا! تنت یه جا! سرت یه جا!  
تو مرثب بودی، این شلخته کاریا چیه!!  
مامانی! دستی که توی دستته واسه کیه؟  
مرد خونه! گلای باغچمونو کی آب بده؟  
تو نباشی آبجی کوچولوتو کی تاب بده؟  
حتماً اون پرنده‌هایی که غذاشون می‌دادی  
باقی غذاهاشو به جوجه‌هاشون می‌دادی -  
تا دیدن دس نداری، دست خدا سپردنت  
پر پروازت شدن، تا آسمونا بردنت  
پسرم بازیگوشه، مگه توی خاک می‌مونه؟!  
رفته تا پیش خدا سرود مئی بخونه

### ❖ رباعی | عارفه دهقانی | شهدای میناب

میناب، حماسه‌خوان آیات خداست  
این مدرسه، دشت داغدار شهادت  
اینجا شجره‌ی طیّبه، داده ثمر  
اینجا سند جنایت آمریکاست

### ❖ رباعی | منصوره محمدی‌مزینان | شهید مفقودالامر ماکان نصیری

جسمش اگر از قافله‌ها جامانده  
نامش به کتاب عشق مانا مانده  
مانده به جهان درس شهادت بدهد  
آن کودکی در مدرسه تنها مانده

### ❖ رباعی | فاطمه نانی‌زاد | شهدای میناب

لبخند نشسته است روی لب‌تان  
پرواز به اوج آسمان مذهب‌تان  
بر تخته نوشته شد عزیزان دلم  
امروز شهادت است مشق شب‌تان

### ❖ دوبیتی | منصوره محمدی‌مزینان | شهدای میناب

دل آشوب و پیریشان حال و بی تاب  
خدا یا ما غریبان را تو دریاب  
چهل روزه دلم شده پاره پاره  
ز داغ غنچه‌های باغ میناب

▣ **دوبیتی** | منصوره محمدی مزینان | شهدای میناب

شهادت تو نگاهش منجلی بود  
گل من عاشق سید علی بود  
فقط نه ساله بود واسش بمیرم  
آخه این بچه، روزه اولی بود

▣ **دوبیتی** | منصوره محمدی مزینان | شهدای میناب

یه دختر بچه که گشتن نداش خب  
یه پروانه که آزدن نداش خب  
میخواس باشه عصای پیروی من  
خیال رفتن و مردن نداش خب

▣ **دوبیتی** | منصوره محمدی مزینان | شهدای میناب

بمیرم صورتش... روش و ببندید  
با یه مرهم رو بازوش و ببندید  
خدا پهلوش شکسته مثل مادر  
آروم تر، زخم پهلوش و ببندید

▣ **دوبیتی** | منصوره محمدی مزینان | شهدای میناب

گلم رو روی دست آروم بیارید  
تو خونه‌ی جدیدش گل بکارید  
گل من صورتش حساسه مردم  
یه بالش روی خاک واسش بزارید

## نیمایی | فریده حیدری شهیدای میناب

قد نمی‌کشند  
عبوس نمی‌شوند  
تلخ نمی‌شوند  
جنگ نمی‌کنند  
هم دیگر را نمی‌کشند  
کودکانی که می‌میرند  
هرگز بزرگ نمی‌شوند...

# شهدای مقاومت



## غزل | فرزانه قربانی | شهید علی کیانی از کهگیلویه

اسطوره هستی بعد از این در باور ما  
از خون پاکت لاله‌گون شد کشور ما  
گریان شده بر شانه‌های کهگیلویه  
ابری که جا خوش کرده در چشم تر ما  
از موج‌خیز چشم تو نشأت گرفته  
شوری که افتاده کماکان در سر ما  
داغت به جوش آورده خون‌ها را دوباره  
خالی نمی‌ماند پس از تو سنگر ما  
ای فخر ایمل تاامرادی\*، نامت اینک  
جای علی شد «جان فدای رهبر» ما  
\*ایمل تاامرادی نام طایفه شهید است.

■ غزل | فرزانه قربانی | شهبیده زهرا حدادعادل

با خنده‌ی نجیبت این روزها کجایی؟  
عکسی نداری اما محبوب قاب‌هایی  
هنگامه‌ی سفر شد با خون وضو گرفتی  
معلوم بود از اول دلتنگ کربلایی  
ای سینه‌سرخ پریپر هرگز نگفته بودی  
با راه و رسم پرواز بسیار آشنایی  
آموزگار اخلاق بودی، عروس ایران  
در درس جانفشانی الحق که پیشوایی  
در بی‌کرانه‌ی دور همراه با امامت  
با آه سرخ گنجشک در باغ هم‌صدایی  
اشک تو را در این شهر می‌بارد ابر خسته  
فهمیده آسمان هم دلتنگ مجتبایی



## غزل | منصوره محمدی‌مزیان | شهیده زهرا حدّادعادل (از زبان پدر)

باید از داغ تو بر دل بنگارم... زهرا  
 برسانید به جانم، به نگارم زهرا  
 قصد کردم به بیابان پریشانی‌ها  
 ابر باشم به هوای تو بیمارم زهرا  
 غزلی تازه بخوان تا نفسی تازه کنم  
 قدرشعری بنشین باز کنارم زهرا  
 بعد تو گیسوی من شعر سپید است بمین!  
 سر و سامان پدر، دار و ندارم زهرا  
 حق بده دل بکنم از دل این شهر و دیار  
 حق بده سر به بیابان بگذارم، زهرا  
 نفسم باز دوباره به شماره افتاد  
 چه قدر عمرِ غمت را بشمارم زهرا  
 فصل سرسبز دلم زرد شده، ای گل من  
 بی تو درهم شده پاییز و بهارم زهرا  
 اُف به دنیای پس از تو همه‌ی جان پدر  
 زندگی بی تو بیاید به چه کارم زهرا؟  
 تا به خون دلم این داغ بروید باید  
 به دلم لاله پی لاله بکارم زهرا  
 آن قدر بعد تو خالی شده دنیایم که  
 رفته انگار همه ایمل و تبارم زهرا  
 نذر جان کردم و در راه خدا جان دادم  
 که محک خورد به نام تو، عیارم زهرا

خون تو مُهر شده بر سِنَدِ زندگی‌ام  
مانده ام با تو سر قول و قرارم زهرا  
تو که در باغ شهادت شده‌ای سبز ولی  
تا ابد من به غمی سرخ دچارم زهرا



## غزل | فاطمه نصیری | شهدای ناوشکن دنا

از او سلامی بار دیگر می‌رسد یا نه؟  
این فاصله، روزی به آخر می‌رسد یا نه؟  
آه ای خدا؛ دریا به ساحل می‌رسد یا نه؟  
این قایق زخمی به بندر می‌رسد یا نه؟  
این نامه‌های خیس خورده خوانده خواهد شد؟  
از عمق دریا یک پیمبر می‌رسد یا نه؟  
با من بگو یک ذره از خاک وطن آیا  
اصلاً به این گل‌های پرپر می‌رسد یا نه؟  
بی‌معرفت دریا؛ فقط ای کاش می‌گفتی  
از پیکرش چیزی به مادر می‌رسد یا نه؟

▣ رباعی | عارفه دهقانی | شهیده دکتر فاطمه‌سادات میر

زن بود اگر چه، مرد میدانش شد  
حبّ وطن، آفتاب ایمانش شد  
ما دم زده‌ایم از شهادت در شعر!  
او شاعر جانفدای ایران‌ش شد

▣ رباعی | منصوره محمدی‌مزینان | شهید امیرعلی حاجی‌زاده

این ماه که در پای علی افتاده  
جان باخته و به خاک‌مان جان داده  
از خمّ غدیر بساده‌ای نوشیده  
سردار امیرعلی حاجی‌زاده

▣ رباعی | منصوره محمدی‌مزینان | شهیده فاطمه‌سادات میر

می‌خواند چه شاعرانه از عشق و امید  
نامش چه عجیب شده‌ست با نام شهید  
پرپر شده واژه‌های گل‌کرده‌ی او  
امروز شده هر غزلش شعر سپید

▣ دوبیتی | فرزانه قربانی | دربار شهید علیرضا تنگسیری

به روی موج طوفان‌ها نشست  
غرور ناو دشمن را شکستی  
برای تو خلیج آغوش وا کرد  
همین که تنگه را بر کفر بست

### ❖ دوبیتی | منصوره محمدی‌مزینان | شهدای مقاومت

دل‌م خونه، چشم سرخه عقیقه  
ز داغت تو دل‌م زخم عمیقه  
یه دردی هس کمر می‌شکونه، اونم  
غم داغ برادر با رفیقه

### ❖ دوبیتی | منصوره محمدی‌مزینان | شهدای مقاومت

شنیدم پیکرش تو خاک و خون بود  
نگاهش سمت ماه آسمون بود  
چرا دشت شقایق خیز جسمش  
به زیر خاک انقد لاله گون بود؟

### ❖ دوبیتی | فاطمه نانی‌زاد | دریادار شهید علیرضا تنگسیری

چه روشن بود رمز این دلیری  
که ایران زاده‌ای، از نسل شیری  
شهادت رزق مردان خدایی ست  
گوارای وجودت تنگسیری

### ❖ دوبیتی | فاطمه نانی‌زاد | دریادار شهید علیرضا تنگسیری

تو دنیا هیبتت خیلی صدا کرد  
چه آتیشی، چه آتیشی به پا کرد  
آهای سردار تنگستون بیا که  
شهادت سیت او‌مد آغوش وا کرد



هایکو | فریده حیدری | دریادار شهید علیرضا تنگسبیری

بکش ما را، بکش ما را

بکش، ما قطره‌ها را

هیچ، کم نمی‌شود دریا...



# مقاومت و حماسه

غزل | مجتبی ابوطالبی | مقاومت و حماسه

با پای کار ماندن غمخوارهای شهر  
 باری نمانده روی زمین کارهای شهر  
 بر جسم و روح خسته و مجروح، دم به دم  
 مرهم نهاده‌اند پرستارهای شهر  
 با آنکه جنگ حجره ما را خراب کرد  
 گل کرده باز گرمی بازارهای شهر  
 آباد می‌شود وطن خاک خورده‌ام  
 با دست‌رنج تازه‌ی معمارهای شهر  
 از بس که داغ لاله‌ی نشکفته دیده‌اند  
 سرخ است حال و روز چمن‌زارهای شهر  
 می‌گردد آفتابِ نظر ذره‌بین به دست  
 دنبال رد نور در آوارهای شهر  
 هر روز عکس‌های تر و تازه می‌زنند  
 بر قامت شکسته‌ی دیوارهای شهر  
 تا صبح فتح سوی خیابان روانه‌اند  
 با شور و شوق، موج عزادارهای شهر  
 بی‌چشمداشت پای سرافرازی وطن  
 سر داده‌اند یکسره سردارهای شهر

■ غزل | راضیه جبه‌داری | مقاومت و حماسه

زمستان، دعای درختان، خیابان  
امید پرستوی مهمان، خیابان  
نئون‌های چشم‌کزن رنگ رنگی  
صف نارون‌های خندان، خیابان  
لک قهوه و نیمکت‌های ساکت  
پیاده‌رو و بوی باران، خیابان  
فروریخته بمب روی سر شهر  
خودش را رسانده شتابان خیابان  
به جوش آمده خون به رگ‌های تکبیر  
شده یکصدا مشت عزّان خیابان  
پراز مهربانی شده شهر زخمی  
خودش رفته توی صف نان خیابان  
به هم ریخته مکر شیطان در این شهر  
مقدّس شده کوجه میدان خیابان  
پراز آبی‌ی فتح و بغض توّسل  
دعای فرج خواند و قرآن خیابان  
ببین بی‌پناهییم اَلْغَوْتُ اَلْغَوْتُ  
ببین جمع ما را خیابان خیابان



## غزل | فریده حیدری | مقاومت و حماسه

ای گوش‌های کر شده وقت شنیدن نیست؟!  
ای قلب‌های منجمد وقت تپیدن نیست؟!  
آخر مگر چشمان تان حق را نمی بیند؟!  
یا منفعت در کوری و هموار دیدن نیست  
دنیای تان از عاشقی خالی خالی آست  
افکار تان جز خوردن و بردن، دریدن، نیست  
ما خون‌مان از لاله‌های عشق رنگین است  
هان ای خبیثان، خاک ما جای چریدن نیست!!  
دنیا اگر پرواز را ارزان می‌ام دارد  
وقتی نباشد میهنم میلِ پریدن نیست  
روزی همه از دار دنیا رخت می‌بندیم  
باور کنید این دل بریدن، دل بریدن نیست

■ غزل | اسمانه خلفزاده | مقاومت و حماسه

قسم به فجر، به دلتنگی زمان، ایران!  
تویی تو مطلع بیداری جهان، ایران!  
تو آن درخت کهن زادِ رو به صبحی که  
ندیده لرزه به دل، در شب خزان، ایران  
به رگم دشمنی بادهای پاییزی  
شکفته بر لب گلدسته‌ات اذان، ایران  
به چشم، سرمه کشیدند خاک پایت را  
ستاره‌های شب‌اویز آسمان، ایران!  
هلال ماه، کمان بلند آرش توست  
که تیر زد به شب تار دشمنان، ایران  
و شیرخواری مَهد تو غرق بیداری‌ست  
شده‌ست در دل گهواره، مرزبان، ایران  
به دانه‌های اناری که خون این خاک است  
به بغض لاله در آغوش ارغوان، ایران  
میان آتش و خون، گود زورخانه شده‌ست  
که خاکریز تو پرورده پهلوان، ایران  
سری که نذر غرور وطن نباشد چیست؟  
وبال گردن و باری‌ست بس گران، ایران  
به گرد پای تو حتی شهاب هم نرسید  
که پر زدی به بلندای بی‌کران، ایران  
نوشته‌اند به خون روی قلب سنگرها:  
فدای خاک وطن، جانِ عاشقان، ایران

## غزل | سمانه خلفزاده | مقاومت و حماسه

تاب فراق آن همه دلدار آسان نیست  
 شرح غم با کاغذ و خودکار آسان نیست  
 گفتم که می سوزیم و می سازیم با این داغ  
 گفتم... ولی فهمیده ام این کار آسان نیست  
 قاسم، سلامی، پاکپور و موسوی... رفتند  
 دل کندن از یک آسمان سردار آسان نیست  
 سید علی هم مثل جدش تشنه لب جان داد  
 دیگر برایم خوردن افطار آسان نیست  
 هر واژه آتش می زند دل را... غزل گفتن  
 از کودکانی مانده در آوار آسان نیست  
 ایران! تو دریا هستی و آتش خبر دارد  
 با موج هایی خشمگین، پیکار آسان نیست  
 پاییز - این بی ریشه - فهمیده ست، جنگیدن  
 با اعتقاد سبز این گلزار آسان نیست  
 شب خوب می داند نبرد بی سرانجامش  
 با چشم های روشن بیدار آسان نیست

## غزل | وحید دکامین | مقاومت و حماسه

ای تار و پود پرچم تو جانِ جانِ ما  
ای از تمام وسعت عالم، جهان ما  
در راه عشق جان به کفانیم سر به سر  
یک یک همه فدای تو پیر و جوان ما  
«گو عالمی به کینه‌وری تیغ برکشند» \*  
ذکر و لا تَحْفُ شده ورد زبان ما  
این خاک، شیعه‌خانه و ایران مرتضاست  
صبح و شب است نام علی در اذان ما  
در جنگ اعتقادی مابین خیر و شر  
از کربلا بگیر سراغ و نشان ما  
هر گوشه رُسته لاله‌ای از خاک این دیار  
خونین شده ست باغ گل و ارغوان ما  
داغ شهید رنگ حماسه به خود گرفت  
سوگ عزا ندیده کس از مردمان ما  
چیزی نمانده خون شهیدان ثمر دهد  
آید ز راه، مهدی صاحب زمان ما  
\* مصرع داخل گیومه از مهدی سهیلی

## غزل | وحید دکامین | مقاومت و حماسه

قلبم گرفته است ز غم‌هایت احتراق  
 باید غزل نوشت برایست از اشتیاق  
 مام وطن، عزیز دل، ایران جان ما  
 دلدادگی ما به تو کی بوده ائتفاق  
 اسلام و صلح و سرخی خون و مقاومت  
 با رنگ پرچم تو عجین و در انطباق  
 از بارگاه قدس رضا نور می‌دمد  
 خورده‌ست مملکت همه روزی از آن رواق  
 با افتخارِ خادمی‌اش «رهبر شهید»  
 عمری نمود خدمتِ جانان بر آن وثاق  
 تا حشر سربلندی‌ات افزون و برقرار  
 دور از تو باد دشمنی و فتنه و نفاق  
 پاینده باد وحدت این ملت غیور  
 هرگز مباد در تو دورنگی و انشقاق  
 هر جا سخن ز عزت بشکوه میهن است  
 بر کام دشمنان تو تلخ است در مذاق  
 آنان که دل به اجنبی پست داده‌اند  
 در وقت اقتدار تو رفتند در محاق  
 روزی که خاک پاک تو آرامگاه ماست  
 ما بین جسم و خاک وطن نیست افتراق

## ■ غزل | عارفه دهقانی | مقاومت و حماسه

عشق من و اجداد من، این سرزمین است!  
او پرچمش بالاست! نه! بالاترین است!  
بر ساحل امن آمده! در اوج طوفان...!  
هر کس که در کشتی ایران، سرنشین است  
با ناخدایش که خدایش، حافظ ماست  
صخره‌شکن، دریادل و شورآفرین است  
امواج پیشانی او، داغی ست بر داغ...!  
آن ماه، با دلتنگی شب‌ها، عجین است  
می‌ایستم پای وطن! تا دست آخر!  
وقتی ببینم چشم دشمن در کمین است  
وقتی ببینم مارِ فتنه، مارِ فتنه ...  
پنهان شده در آستین، در آستین است  
سرباز ایرانم! که در شام حوادث،  
فریاد او روشن‌گرس و سهمگین است  
من، شاعرم.. من، مادرم... من پای‌کارم!  
من بی‌تفاوت نیستم! این راه دین است  
دین و سیاست، با همدن از روز اوّل!  
حرف شهیدان تا آخر همین است  
ای پرچمت ما را کفن! پایان من هم  
با مهر خونین شهادت، دلنشین است  
این راه، شیرین است! چون چای عراقی  
مثل دِهین، مثل رطب! در اربعین است!

این شیعه‌خانه، صاحبش مهدی زهراست  
اینجا شهادت‌خانه‌ی اهل یقین است  
آن فتنه‌گرها... بی‌پدرها را بگویید:  
ایران در آغوش امیرالمؤمنین است

■ غزل | اسمانه رحیمی | مقاومت و حماسه

بخوان سرود وطن را وطن ترانه‌ی ماست  
برای هم‌نفسی بهترین بهانه‌ی ماست  
به عشق اوست که بر شانه بال می‌روید  
که شاخه شاخه‌ی این سرو، آشیانه‌ی ماست  
خزر، نشسته به پهنای آبی چشمش  
خلیج فارس، اگر بیکران، کرانه‌ی ماست  
سپیدموی دماوند، پرچم صلح است  
و سبزجامه‌ی البرزی‌اش خزان‌ه‌ی ماست  
چه لاله‌ها که در آغوش خاک روئیده‌ست  
حریر سرخ شقایق به روی شانه‌ی ماست  
حماسه‌سازی تاریخ پر غرور وطن  
هماره زمزمه‌ی قصه‌ی شبانه‌ی ماست  
«هزار جان گرامی فدای» لبخندش  
هزار فتنه اگر در کفِ زمانه‌ی ماست  
هراسی از شب دیجور در دل ما نیست  
امید و باور دیرینه نور خانه‌ی ماست  
طمع نموده به بلعیدنش خیالی که ...  
همیشه در پی تسخیر آب و دانه‌ی ماست  
کُنّام شیر چه جای شغال و کفتار است؟!  
تمام وسعت آن، مرز جاودانه‌ی ماست  
به زمهریر زمستانش اعتنایی نیست  
در این زمانه که باغش پر از جوانه‌ی ماست

بهار منتظران ظهور نزدیک است  
نگاه مهدی موعود آسمانهی ماست

■ غزل | اسمانه رحیمی | مقاومت و حماسه

دنیا، ببین امروز ایران را  
پرواز مردم سوی میدان را  
در ناو، دریا، آسمان، در خاک  
گل دادن خون شهیدان را  
ایران سرای سربلندی هاست  
عشق وطن می‌پرورد جان را  
در هجده‌می طوفان در این بیشه  
بشنو صدای شیر غرآن را  
ایران ما پاینده با عشق است  
عشقی که آتش زد نیستان را  
از نور، سرشارست شب‌هایش  
بنگر طلوع فجر ایمان را  
باران تلاوت می‌کند اینجا  
آیین در آیین قرآن را  
با غنچه‌های پرپر میناب  
مهد شهادت کن دبستان را  
ای قهرمان با هوش مصنوعی  
انکار کن سیل خروشان را  
اما بدان تا آخرین پیکار  
خالی نمی‌بینی خیابان را  
خالی نمی‌بینی تو میدانی  
از مرزها تا قلب تهران را

این خیمه در آتش نمی‌سوزد  
سوزانده زیرا بعلِ شیطان را  
با گام‌های استوار عمری  
پیموده شب‌های زمستان را  
بعد از نبرد آخرش حتماً  
دست نوازش می‌کشد جان را  
باغیرت مردم به دست خویش  
می‌سازد از نو این گلستان را

## غزل | علی رنجبریان | مقاومت و حماسه

تو را ز دست بدادیم و خون جگر گشتیم  
برای حفظ تو اما چه بی ثمر گشتیم  
تو آن کسی که بدون تو می شود فهمید  
چه سخت بود فراقی که بی پدر گشتیم  
بهانه‌ی دل من بعد تو همین باشد  
کجاست وعده صادق که بی سپر گشتیم  
ندای محکم تو، آخرین سخنرانی  
بشارتی به دلم شد که تازه تر گشتیم  
صلا زدی که مسیر حسین در ره حق  
جدا بود ز یزیدی و جلوه گر گشتیم  
دل از غروب نگاهت عجیب غمناک است  
همان زمان که تو رفتی و با خبر گشتیم  
امان از آن همه سختی بعد رفتن تو  
تمام قوت ما گریه شد، شرر گشتیم  
در این زمانه که خون از زمین سرریز است  
برای بی صفتان این چنین ضرر گشتیم  
همان زمان که برای دفاع از میهن  
ز جان خویش گذشتیم و زنده تر گشتیم  
تمام همت خود را برای این کشور  
میان دست گرفتیم و پر ثمر گشتیم  
درخت ظلم ثمر داد و رخنه کرد و رسید  
ولی به همت هم، ریشه را تبر گشتیم

صدای حق که طنین حسین را دارد  
سراسر از دل ما شعله شد اثر گشتیم  
دلیل این همه جوشش برای این مکتب  
عزا و خون رخت بود و شعله ور گشتیم

■ غزل | فاطمه زاهد مقدم | مقاومت و حماسه

با یک بغل دل‌وایسی باید  
با بچه‌ها مشغول بازی باشم این شب‌ها  
باران و طوفانم ولی باید  
یک مادر آرام و راضی باشم این شب‌ها  
از مرز و بوم و قهرمان‌هایش  
گاهی برای کودکانم قصه می‌خوانم  
دنیا نمی‌خواهد ولی باید  
من مادر اسطوره‌سازی باشم این شب‌ها  
سجّادهام پهن است یک گوشه  
تا حال من خوب است حال زندگی خوب است  
آرامش این خانه یعنی من  
دور از هیاهوی مجازی باشم این شب‌ها  
حال دلم با گفتگو خوب است  
وقتی که با همسایه و با دوست هم دردم  
هم صحبتی خوب است؛ بنشینید!  
باید زن مهمان‌نوازی باشم این شب‌ها

## غزل | فاطمه زاهد مقدم | مقاومت و حماسه

ترسی از مردن ندارد، جان تعارف می‌کند  
 زندگی را زیر بمباران تعارف می‌کند  
 عکس فرزند شهیدش را گرفته در بغل  
 با دل غمگین، لب خندان تعارف می‌کند  
 ابرها جمعند هر شب در مسیر انقلاب  
 آسمان موکب زده، باران تعارف می‌کند  
 هر طرف سبز و سپید و سرخ دارد می‌وزد  
 باد دارد پرچم ایران تعارف می‌کند  
 تک درخت کهنه‌ای در این خیابان شلوغ  
 تکیه‌گاهش را به مهمانان تعارف می‌کند  
 مادری با بچه‌ها مشغول بازی می‌شود  
 مهربانی در دل میدان تعارف می‌کند  
 کوچه را پر کرده از عطر گلاب و زعفران  
 لقمه‌ی حلوای داغ و نان تعارف می‌کند  
 موکبی با سینی خرما و چای دارچین  
 در هوای سرد، تابستان تعارف می‌کند  
 این خیابان راوی جریان جنگ و زندگی‌ست  
 شب به شب امید بی پایان تعارف می‌کند

■ غزل | فاطمه زاهد مقدم | مقاومت و حماسه

ای موج های آبی رزمنده  
ای آب های جاری بخشنده  
شور حریر آبی دامنانت  
در پیچ و تاب حادثه رقصنده  
در قاب چشم های ترم بنشین  
آه ای خلیج زخمی خوش خنده  
فریاد می زنی جریانت را  
باموج خشم های خروشنده  
باران سلام گرم تو را هرشب  
این جامیان شهر پراکنده  
ما را بگیر در شب آغوشت  
تا لحظه های روشن آینده  
از خون دل حماسه بساز! آری!  
باهر غروب سرخ درخشنده  
این سوتویی و هیبت امواجت  
آن سو وحوش دشمن بازنده  
بر روی نقشه های جهان حک شد  
نام خلیج فارس پاینده



## غزل | فاطمه زاهد مقدم | مقاومت و حماسه

وطن چه بود؟ تپش‌های قلب غمگینم  
 وطن چه بود؟ تبِ داغ‌های سنگینم  
 چنان برای وطن لحظه لحظه می‌جنگم  
 که روی خاک بیفتد عبای خونینم  
 که رود شراره بخواند، که دشت نی بزند  
 کویر شور بگیرد کنار بالینم  
 که در فراق پدر هیچ چیز غیر از خون  
 نمی‌شود به دل بسی‌قرار، تسکینم  
 که خط به خط خبرِ داغ‌های پی در پی  
 نشسته است به پیشانی پر از چینم  
 و من ادامه‌ی گردآفرید و تهمینه  
 ستون محکمِ پشت سرِ سلاطینم  
 تبر به دوش، زنی در تبِ خروشم و خشم  
 شکوه رزمِ فرنگیس با شیاطینم  
 که ایستاده‌ام این‌بار در خیابان‌ها  
 و هیچ چیز به غیر از وطن نمی‌بینم  
 وطن که چشم گشودم به روی دستانش  
 وطن که در بغلش می‌کنند تدفینم  
 وطن برای من این پرچم است و خواهد ماند  
 پس از نبرد، میان دو دست خونینم

## ■ غزل | صدیقه زودلی | مقاومت و حماسه

به لطف قدرت حق شد سلاح ما ایمان  
به حکم محکم قرآن کشیم خطّ و نشان  
اگر به شعله کشد باغ سبزم ما دشمن  
به پا کنیم برایش جهنمی سوزان  
قسم به غیرت‌مان از خطر نمی‌ترسیم  
که هست خون علمدار توی رگ‌هامان  
قسم به خون شهیدان قسم به برکت آن  
به این نبرد نهایی دهیم ما پایان  
ز هجمه زخم عمیقی نشست بر دل ما  
اگرچه زخم فراوان، ولی شود درمان  
گذر کند شب سختی سحر شود پیدا  
دوباره سر بزند صبح بعد از این طوفان  
به رغم خون جگرها، به رغم حادثه‌ها  
بنا کنیم وطن را دوباره با دل و جان  
شده‌ست رشته‌ی تسبیح خون رهبر ما  
و دانه‌های عقیش سپاه در میدان  
سپاه کودک و مادر، سپاه پیر و جوان  
سپاه ملت مبعوث در تمام جهان  
در این وطن همگی جانفدای ایرانیم  
به قطره قطره‌ی خون بسته‌ایم این پیمان  
نماد وحدت کشور، شکوه هم‌عهدی  
به زیر سایه‌ی پرچم، همیشه جاویدان

خدای من تو نگه دار شیعیان علی  
به حق نام علی سر بلند کن ایران

■ غزل | فرزانه قربانی | مقاومت و حماسه

پای تابوت شهیدان باز گرم هق هق‌اند  
بغض‌هایی که ترک خوردند و از خود فارغ‌اند  
در نماز استغاثه ناله‌ها را گوش کن  
ابرها هر لحظه گرم گفتگو با خالق‌اند  
شب به شب در معرکه رقصی حماسی می‌کنند  
بس که پرچم‌های پرشور خیابان عاشق‌اند  
ای تبر این سروهای راست قامت را ببین  
فکر می‌کردی هنوز آن‌ها نهال سابق‌اند  
شب هجوم آورده از مغرب زمین بر ما ولی  
چشم‌ها در انتظار آفتاب مشرق‌اند  
انتقام سختی از دشمن گرفتی ای وطن  
خوب فهمید است دنیا وعده‌هایت صادق‌اند

## غزل | فرزانه قربانی | مقاومت و حماسه

عاقبت با هیبت سجّیل‌ها سر می‌رسیم  
 آسمانت را قرُق کرده، مکرر می‌رسیم  
 با غدیری که به خون آغشته بیعت می‌کنیم  
 در میان معرکه با فتح خیبر می‌رسیم  
 می‌رسد برگوش دنیا غرش فریادمان  
 حنجرِ سرخیم و با الله اکبر می‌رسیم  
 گستراندی فتنه‌ی شب را در این دنیا ولی  
 وعده‌های صادقیم، از صبح محشر می‌رسیم  
 ای تیر! نسل مقاوم را نترسان هیچ‌گاه  
 در شجاعت، ما به آن سرو تناور می‌رسیم  
 مثل سرلشکر سلامی، مثل حاجی‌زاده‌ها  
 محضر ارباب خود یک روز بی‌سر می‌رسیم

■ غزل | نغیسه کاکایی | مقاومت و حماسه

به پا خیزید ای مردم که وقت رزم و پیکاره  
شده صهیون و آمریکا از این پیکار، بیچاره  
ببینید عجز این دشمن، برای خلق شد پیدا  
سپاهی ریشه اش بکن از این عالم به یکباره  
نمانده بر کلاه او دگر پشمی که شد ویران  
تلاویو از هجوم موشک و پهپاد و خمپاره  
چو موشی در پی سوراخ امنی دشمن ترسو  
از آن آژیر پی در پی، ز خانه گشته آواره  
شجاع و همچو شیر نر، سر پیمان و مستحکم  
سپاهی پای لانچرها ز شب تا صبح بیداره  
پدر کشتند از ایران به دل مانده است داغ او  
اگرچه گشته زین هجران، جگرها خون و صد پاره  
ولی چون کوه، پا بر جا به پای عهد با رهبر  
بگیریم انتقامش را از آن ملعون بد کاره

## غزل | علی محلوجی | مقاومت و حماسه

شیشه‌ام را شکسته است کسی  
 اندکی قلوه‌سنگ می‌خواهم  
 سنگ و لنگرد، کار خود را کرد  
 من سریعاً تفنگ می‌خواهم  
 در جهانی که زور می‌تازد،  
 بر بدن‌های خسته‌ی مردم  
 من از این زندگی خود سیرم  
 من هیاهو و جنگ می‌خواهم  
 با دُم شیر می‌کنند بازی  
 با شجاعان و پنجه‌اندازی؟  
 بر تنم سال‌هاست یک زخمی،  
 مثل زخم پلنگ می‌خواهم  
 صفحه‌ی علم تا ابد پر باد  
 جوهرش کم نگشته آن استاد؟  
 خون صهیون چه جوهر خوبیست!  
 چند تا شیشه رنگ می‌خواهم  
 این قضایا شروعش آسان است  
 یاد تاریخ حرف پایان است:  
 مثل مولا علی به آن خیبر،  
 حمله‌ای بی‌درنگ می‌خواهم

■ غزل | علی مخلوجی | مقاومت و حماسه (بمباران دانشگاه صنعتی شریف)

دیدى که خصم، دوش چه‌ها کرد با شریف؟  
حالا ز خود بپرس دریغا چرا شریف؟  
دلدادگان حمله به ایران چه ساکت‌اند...  
أف بر تمام جنگ‌طلب‌های ناشریف  
زخمی اگرچه گشت، ولی کور خوانده‌اند  
هرگز مباد از تن ایران جدا شریف  
سنگ‌ر شکن به سنگر این صحن علم خیز  
یعنی که خار بوده به آن چشم‌ها، شریف  
یعنی به دانشی ز ثریا رسیده‌اند  
پس مرحبا شریفی و پس مرحبا شریف  
عالی‌تر از گذشته بجنگیم پای علم  
این جنگ شد شروع! به نام خدا، شریف

غزل | منصوره محمدی‌مزیان | مقاومت و حماسه

ایران عزیز ای وطن ای خاک فرهمند  
 ای سایه‌ی مه‌رت به سرم سرو تنومند  
 ای بخت سفید ای گل سرخ ای نفس سبز  
 ای حک شده بر سینه‌ی تو نام خداوند  
 چندان که تویی دیر و کهن در دل تاریخ  
 ایام ندیده است دیاری به تو مانند  
 درد تو به جانم که بسی درد کشیدی  
 از چشم حسادت که فلک سوی تو افکند  
 سرسبز جوانه بزن و در جریان باش  
 گل کن که خداوند به رویت زده لبخند  
 طوفان نرساند به شکوه تو‌گزندی  
 تا پشت تو هستیم به نستوهی الوند  
 برسینه زده کوه دنا سنگ غمت را  
 ای آینه‌ی صبر تو البرز و دماوند  
 از صخره‌ی در راه، هراسی به دلت نیست  
 ای رود خروشنده‌تر از کرخه و اروند  
 برخاسته خورشید تو از سمت خراسان  
 پیچیده به گیسوی تو گلهای نهاوند  
 جاری شده‌ای در رگ خشکیده‌ی دنیا  
 اسطوره شدن خورده به تاریخ تو پیوند  
 عشقی و هنرهای تو بالنده به عشق است  
 جانم به فدایت شود ای خاک هنرمند

■ غزل | فاطمه محمودزاده | مقاومت و حماسه

ای رضا! خورشید عدل و مظهر رأفت، سلام  
ای پناه بی‌پناهان در دل غربت، سلام  
در شب تاریک دل‌ها، نور تو شد رهنما  
ای عزیز خانه‌ی دل‌های این امت، سلام  
تار و پود این وطن از تو سرشته، یا رضا  
ای که از نام تو دارد میهنم شوکت، سلام  
آه از میناب، از ماکان مفقودالآثر  
بر معلّم‌ها و آن طفلان معصومت، سلام  
بر نفس‌های ضعیف نوگلان زیر خاک  
بر نگاه مادران غرق در حیرت، سلام  
پای این پرچم، بمانیم استوار و جان‌فدا  
بر دلیران، بر شهیدان ره نهضت، سلام  
در حریم امن تو آرام می‌گیرد دلم  
ای صفای دیده‌ام، ای مایه‌ی عزّت، سلام  
در پناهت سربلند و جاودان ماند وطن  
ای پناه و جان عالم، قبله‌ی حاجت، سلام



## غزل | فاطمه محمودزاده | مقاومت و حماسه

سپر گشتی برای دین، میان فتنه‌ی دشمن  
تو با مشت گره کرده زدی بر فرق اهریمن  
چو رستم در صف رزمی، دل آگاه و گران سنگی  
عزیزی سربلندی تو، نگین تاج این میهن  
خیال خام می‌بافند بدخواهان برای ما  
نمی‌دانند می‌رویید بسی رستم از این گلشن  
ز تیر و ترکش دشمن، نلغزد پای این مردم  
که فرزند دلیر این سرای آرد به میدان تن  
اگر دشمن هزاران صف بیاراید به کین ورزی  
شوند این خلق مبعوث و به خاک افتد تن دشمن

غزل | فاطمه محمودزاده | مقاومت و حماسه

به آتش گر کشند این پرچم پاک  
نسوزد ریشه‌ی ایمان این خاک  
اگر دستی به کین افروزد آتش  
بسوزد خود در آتش، خصم ناپاک  
نه بیمی در دل این قوم مانده‌ست  
نه سازش می‌پذیرد قوم بی‌پاک  
شب تیره چه داند قدر خورشید  
که فردا سر زند از اوج افلاک  
چو غیرت در دل مردان بجوشد  
نماید برقرار این قوم سقّاک  
قسم بر خون پاک آن شهیدان  
به دست ما شود این باطل اهلاک

## غزل | سیمیه مؤمنی | مقاومت و حماسه

به حکم عشق ای مردم، کبوترها نمی‌میرند  
 بسوزد گر گلستان‌ها، صنوبرها نمی‌میرند  
 بگو لاتَّحَسَبَنَّ، آنکه در راه خدا جان داد  
 نخواهد مُرد، آری لاله‌پیکرها نمی‌میرند  
 اگر در خون و خاکستر بغلتد خانه‌ای در جنگ  
 چراغ خانه خواهد ماند، مادرها نمی‌میرند  
 بپُر حلقوم حق را تا شود خاموش فریادش  
 چه خواهی کرد ایمان را که باورها نمی‌میرند  
 غرور زخمی‌ام یکبار دیگر یاد آفا کرد  
 نوشتم با دلی خون، پاک جوهرها نمی‌میرند  
 سپردم خاک را با پیکر او مهربان باشد  
 اگرچه من یقین دارم پیمبرها نمی‌میرند

■ غزل | سمیه مؤمنی | مقاومت و حماسه

برای آسمان سرخ ایران، شعر باید گفت  
برای پیکر در زیر باران، شعر باید گفت  
من از قول عروسک‌های در آوار می‌گویم  
برای کودک مجروحِ گریان، شعر باید گفت  
دو سه گیره شکسته، چند شال پاره‌ی خونین  
از آن بغضی که مانده در خیابان، شعر باید گفت  
بر آن مشت گره کرده به وقت دیدن معبود  
از او که دائماً می‌خواند قرآن، شعر باید گفت  
به ذبح صد بنفشه، مرگ دسته‌جمعی گل‌ها  
به سوگ این زمستان در زمستان، شعر باید گفت  
از آن زخمی که این شب‌ها حماسه‌آفرین گشته  
از آن لب‌ها که دیگر نیست خندان، شعر باید گفت  
بگو مردم، بخوان دریای ایمان رو به روی کفر  
از این شب‌های شورانگیز تهران، شعر باید گفت



## غزل | سمیه مؤمنی | مقاومت و حماسه

از کهکشان اشک لـرزان زنـان شهر  
 صدها ستاره پر شده در آسمان شهر  
 ما داغدار اما سترگ و سبز و پا برجا  
 چون مرهمی بر زخم‌های بی‌امان شهر  
 کوچه خیابان پر شده از لاله‌های سرخ  
 خالی‌ست در هر گوشه جای باغبان شهر  
 هر موشکی که بر تن صهیون فرود آمد  
 تکبیر رویید از زبان کودکان شهر  
 گلدسته‌ها را پر کنید از مرگ بر صهیون  
 باید بگوید هر مؤذن در اذان شهر  
 هر شب خیابان‌هاست میدان نبرد ما  
 ماییم در خط مقدم، قهرمان شهر  
 حتی نشد اشکی بریزیم از فراق یار  
 با بغض‌هامان شعر گفتیم از زبان شهر

## غزل | فاطمه نانی‌زاد | مقاومت و حماسه

چنین که خاک وطن، خاک کربلا شده است  
یقین که بیشتر از پیش پر بها شده است  
چقدر سرو رشید ایستاده در میدان  
چقدر لاله که بر دامنش رها شده است  
چقدر داغ شقایق نشسته بر دل‌ها  
چقدر نخل تناور که جانفدا شده است  
چقدر جوش و خروش است در خیابان‌ها  
چه موج‌های عظیمی که یکصدا شده است  
چه رستخیز شگفتی، بیا تماشا کن  
چقدر زلزله در معرکه به پا شده است  
چقدر بعثت مردم به وجدمان آورد  
چنان که قوّت قلب من و شما شده است  
اگر که پرچم افراشته رجزخوان شد  
به دست‌های علمدار اقتدا شده است  
چقدر لطف خدا را به چشم خود دیدیم  
چه خیرهای کثیری به ما عطا شده است  
و کاروان شهیدان خوشا به حال شما  
که پر کشیدنتان، حاجت روا شده است  
چقدر حنجره‌ی سرخ رنگ، وقت سحر  
به اشتیاق اذان، گرم رُبنا شده است  
مکرر است شب قدر، قدر بشماریم  
تمام پنجره‌ها رو به صبح وا شده است

برای حفظ حریمش هزار جان بدهیم  
کجا برای وطن دینِ ما ادا شده است!؟

■ غزل | فاطمه نانی‌زاد | مقاومت و حماسه

وطنم از هجوم فتنه و شر بار دیگر عبور خواهی کرد  
باز هم پر شکوه خواهی ماند، باز حفظ غرور خواهی کرد  
چه کسی گفته خم شده کمرت،  
چه کسی خواسته شکسته پرت  
سرزمین تبلور آرش، دشمنان را تو کور خواهی کرد  
بانگ الله اکبرت برخاست، مأذنه مأذنه شکفته شدی  
به یقین تلخی و سیاهی را تو مبدل به نور خواهی کرد  
کشورم از حماسه لبریزی، وای از آن لحظه‌ای که برخیزی  
هر که نام تو را نشانه گرفت راهی فعر گور خواهی کرد  
بار دیگر روایت فتح است، هر روایت که گفته خواهد شد  
تو تمام جهان و جان‌ها را عرق شور و شعور خواهی کرد

## غزل | فاطمه نانی زاد | مقاومت و حماسه

بر این آیات روشن باز کن چشم تماشا را  
 بخوان وَاللَّيْلَ را، وَالْفَجْرَ را، إِنَّا فَتَحْنَا را  
 به «وَالْعَصْرَ»ی که گل کرده است در آینه‌ی آفاق  
 نخواهد دید ظالم روشنای صبح فردا را  
 هراسی نیست افعی‌ها اگر جمعند در میدان  
 تماشا کن هنرهای عصای دست موسی را  
 عیار شیرمردان خدا امروز روشن کرد  
 فریب سامری‌ها، فتته‌ی گاو مطلقاً را  
 شکوه ذوالفقار و بارش سجیل‌ها دیگر  
 شکست آن شوکت پوشالی بت‌های دنیا را  
 تبسم کرد تهرانی مقدّم بر سلیمانی  
 شکوفاتر ببین لبخندهای مغنیه‌ها را  
 بهم پیوسته‌اند «الله‌اکبر»های پیروزی  
 ببین در اتصال روده‌ها امواج دریا را  
 پس از «حَيِّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ»، تکبیرة الاحرام  
 و حیران می‌کند بیت‌المقدس عرش اعلی را  
 امام مسلمین همراه خود سجّاده آورده  
 مصقاً می‌کند در مسجدالاقصی مصلى را

## ■ غزل | فاطمه نانی‌زاد | مقاومت و حماسه

می‌رسد از سنگر فرماندهی فرمان او  
همچنان هستیم با هم بر سر پیمان او  
ما چه خوشبختیم با آقا معاصر بوده‌ایم  
می‌وزد عطر ظهور از سرخی دوران او  
باز هم میدان به میدان ما حماسه ساختیم  
خیره شد چشم جهان از غرّش شیران او  
آیه‌های مومنون تفسیر شد این روزها  
اقتدا دارند مردم باز بر ایمان او  
یاد باد آن صوت و لحن آیه‌های فتح و نصر  
کی رود از خاطر ما خواندن قرآن او؟!  
مژده‌ی پیروزی حق را نسیم آورده است  
بیش‌تر از پیش غوغا می‌کند طوفان او  
نیل می‌بلعد دوباره لشکر فرعون را  
وعده حق را محقق می‌کند ایران او  
بهتر از جان بود و حالا در مسیر روشنش  
عهد می‌بندیم یک‌بار دگر با جان او  
ای شهیدانی که دورش حلقه می‌بندید! کاش -  
جای ما هم بوسه بنشانید بر دستان او

غزل | فاطمه نانی‌زاد | مقاومت و حماسه

بایست سمت درستی که باور من و توست  
که باز دست خداوند یاور من و توست  
بایست مثل تمام دلاوران شهید  
که سرو بودن و ماندن، مُقَدَّرِ من و توست  
بایست، خوف و خطر را به جان بخر، آری  
که نیل‌های تلاطم مُسَخَّرِ من و توست  
شهید بود و شهیدانه زیست تا آخر  
که این مرامِ معلّای رهبر من و توست  
در اهتزار بماند عَلم که بعد از این  
لوای سرخ علمدار بر سر من و توست  
همیشه نام عزیزش، عزیز خواهد ماند  
قوی و محکم و نستوه، کشور من و توست

■ غزل | فاطمه نانی‌زاد | مقاومت و حماسه

به سربلندی این خاک با سرآمده‌ام  
همیشه گفته‌ام، از عهده‌اش برآمده‌ام  
به اهتزاز همین پرچم سه‌رنگ عزیز  
برای عزّت پر شور کشور آمده‌ام  
به احترام همین دشت‌های پر لاله  
به عهد تازهی گل‌های پرپر آمده‌ام  
شبه رایحه‌ی هر نسیم صبح‌دمان  
من از کنار شهیدان، معطر آمده‌ام  
پر از خروشم و چون رود تا ابد جاری  
به عزم جزم به طوفان دیگر آمده‌ام  
به اقتدار بلندی نام ایرانم  
من ایستاده‌تر از هر صنوبر آمده‌ام  
و جب و جب همه‌ی خاک میهنم حرم است  
برای حفظ حریمش مکرر آمده‌ام  
به یاد پیر جماران، میان این مردم  
به عشق دیدن لبخند رهبر آمده‌ام  
سلاح مردم ما تا همیشه تکبیر است  
به میهمانی الله اکبر آمده‌ام

غزل | فاطمه نانی زاد | مقاومت و حماسه

به وقت حادثه سردار سر به دار شدیم  
که ما همیشه علمدار اقتدار شدیم  
اگرچه آیینه‌ها را به سنگ کینه زدند  
هراس و بیم نداریم، بیشمار شدیم  
اگرچه باد وزیده ست، گاه طوفان است  
خبر دهید که آماده‌ی شکار شدیم  
در این حماسه که عزم بلند ما جزم است  
همه شعور شدیم و همه شعار شدیم  
بگو به آل یهودا در انتقامی سخت  
به قصد جان شما تیغ ذوالفقار شدیم

■ غزل | ندا نوروزی | مقاومت و حماسه

گرفته هاله‌ی خون دست‌های جوهری‌اش را  
و بند بند امان‌نامه‌های آخری‌اش را  
سحر به سازش و شب را به جنگ می‌گذراند  
چگونه بهتر از این رو کند ستمگری‌اش را  
اگرچه پا ز گلیمش دراز کرده ولیکن...  
به سنگ بسته ابابیل، پای خودسری‌اش را  
وطن‌ندار خبر از وطن‌پرست چه دارد؟!  
رها نمی‌کند این جان، دیار مادری‌اش را  
به گوش ابرهه از قول ما، جهان برساند  
کمان نشانه گرفته نشان نوکری‌اش را  
هنوز مانده که سجیل ما به رخ بکشاند  
میان ظلمت حیفا، خروش خیبری‌اش را  
بترس کفش به پا کرده از زنی که گره زد  
به زیر هجمه‌ی آوار خانه، روسری‌اش را

غزل | ندا نوروزی | مقاومت و حماسه

به دامان زمین می‌دید تهران، اشک نم نم را  
 نباید شست، از دیواره‌های سرخ، شب‌نم را  
 چو پژواکی دوباره نام او تکرار خواهد شد  
 همان مردی که روی قلّه‌ها کوبید، پرچم را  
 به سوی جَنَّةِ الْمَأْوَى و سَجَّیلِ ابابیلش  
 نشان آل صیهون می‌دهد، راه جهنّم را  
 غدیر و فاتح و قائم، طنین رمز یا زهرا  
 دهان وا کرد دشمن، خورد اَمَّا مَشْت محکم را  
 به فرمان علی، آماده‌ی رزم‌اند مالک‌ها  
 به هم زد ذوالفقار امروز، خواب ابن مُلجَم را  
 شهادت برگ پایان حضور در خیابان است  
 ببین ای خصم در میدان ما، عزم مصمّم را  
 یکایک می‌رسند از راه، طهرانی‌مقدم‌ها  
 و تهران باز می‌بیند به خود، خطّ مقدم را

■ غزل | ندا نوری | مقاومت و حماسه

هوا، هوای دوییدن به سوی میدان است  
جهاد اکبر ما در دل خیابان است  
بگیر پرچم خود را به دست و راهی شو  
بیا به خط مقدم، که قلب تهران است  
به لطف این همه فریاد مرگ بر صهیون  
نفس کشیدن گفتار رو به پایان است  
ریاب‌های وطن آن چنان خروشانند  
که شیرخوار در آغوش هم رجزخوان است  
به سوی نیل روان گشته‌ایم ما امروز  
عصای پرچم ما، سدّ راه شیطان است  
میان موج بلا هم، وطن، فروشی نیست  
جواب رود به هوهوی باد، طغیان است  
گذشت دوره فرعون و آنچه باقی ماند  
طنین غرّش ما در گلوله‌باران است  
نگاه کن به خیابان، نتیجه معلوم است  
در این مبارزه، پیروز جنگ ایران است

## قصیده | سمانه رحیمی | مقاومت و حماسه

هم‌پای بغض و هق‌هق باران گریستم  
 هم‌رنگ داغ سرخ شهیدان گریستم  
 چون ابر بر سیاهی آن روزهای تلخ  
 چون برف زمهریر زمستان گریستم  
 از روزهای سرد دی و سوگواری‌اش  
 از فتنه‌های تیره‌ی دوران گریستم  
 با غنچه‌های پرپر «میناب» پر زدم  
 با غربت و غبار دبستان گریستم  
 بر خانه‌های ریخته از خصم اهرمن  
 بر تکه‌های پیکر بی‌جان گریستم  
 هر پل که زخم خورد و فرو ریخت خم شدم  
 هر بار زخم خوردم و ویران گریستم  
 بی دست و پا جوان رشید آمد از نبرد  
 بی لحظه‌ای درنگ پریشان گریستم  
 از ناو لاله‌گون دنا، عطر گل وزید  
 از شعله‌های سرکش طوفان گریستم  
 باران شدم به حرمت گل‌های بی‌مزار  
 با گریه‌های مادر «ماکان» گریستم  
 این داغ را چگونه جهان دید و دم نزد؟  
 این قصه را نوشتم و با آن گریستم  
 هر چند داغدار و حزین است کشورم  
 هر چند داغدار و فراوان گریستم

دیدم هوای بعثت مردم بهاری است  
دیدم بهشت گشته خیابان گریستم  
شب را گره زدم به سحرگاه، بعد از آن ...  
شب‌ها که با تلاوت قرآن گریستم  
با آیه‌های فتح و ظفر، دل قوی شدم  
با هر تو سلم به خراسان گریستم  
گفتم رضا، تمام وجودم امید شد  
گفتم رضا، به وسعت ایران گریستم  
ایرانِ جان که بیمه‌ی سلطان مشهدی!  
ایرانِ جان! برای تو از جان گریستم

## قصیده | نفیسه کاکایی | مقاومت و حماسه

الا ای دشمن احمق، شده حق، نور تابنده  
 تو آسان کرده‌ای تشخیص آن در حال و آینده  
 خدا باشد پناه ما جهان گر زیر و رو گردد  
 سلاح ماست ایمان و سلاح توست جنگنده  
 هر ایرانی به آرامش، به کار خویش پردازد  
 به زیر رقص موشک‌ها، از آن‌ها ترس، شرمنده!  
 توای دشمن به خودبنگر که چون موشی زهرموشک  
 خزیدی سوی هر سوراخ، همچون مرغِ پَر کننده  
 هراس از مرگ، کی بودت اگر باطل نبودی تو؟  
 بدان تاریخ را در سمت حق، ماییم سازنده  
 برای توست جان دادن، عذابی تا ابد حاضر  
 برای ما شهادت، افتخاری باشد ارزنده  
 بکش نادان، خدای حی، نماید زنده‌تر ما را  
 شهادت چون پُلی باشد میان خالق و بنده  
 بگفت آن پیر فرزانه که ترس و غم ندارد جا  
 چو باشد جامه‌ی ایمان بر این امت، برازنده  
 پدر گُشتی ز ما دیگر نبینی رنگ امنیت  
 مُبَدِّل گشته‌ایم اینک به یک طوفان کوبنده  
 شدیم آتشفشان دیگر بسوزد تا ابد جانت  
 ز هر فریاد تکبیری که برخیزد ز گوینده  
 فرو رفتست در حیرت ز موشک‌های ما دنیا  
 بلرزد گنبد آهن، از آن سجّیل رخشنده

بگیرد انتقام کل مظلومین عالم را  
ز تو کودک‌کش وحشی، ز تو حیوان درنده  
تو معرفی به اوستین و هر ایرانی به فرهنگش  
که حتی موشک ما هم چو باران است بخشنده!  
ز ترس فقر، سربازان شدند از بهر تو ارتش  
برای ما هر ایرانی بسیجی هست و رزمنده  
مساجد مرجع مردم، میادین، مملو از ملت  
چه غوغا هوش مصنوعی، نموده بهر بیننده!  
شکست و یأس و ذلت ره ندارد بین این امت  
که تا روز فرج، این انقلاب ماست، پاینده  
همه اعضای یک پیکر همه با هم برای هم  
از این مردم شده میهن ز عشق و نور، آکنده  
ز بهر طالبان حق، تمدن سازد این امت  
چه نیکو اُسوه ای باشد برای نسل آینده

■ **مثنوی** | مریم آقایی شوکی | مقاومت و حماسه

دنیای بی‌معنا و جنگ پر هیاهو  
 رایج کند در خود شکار قوچ و آهو  
 دیگر نمائند در زمین یک شهر شالی  
 سبزینه می‌میرد در آن گلدان خالی  
 ویرانه می‌گردد جهان از زخم بحران  
 مانند طوفان می‌زند آتش به بنیان  
 از آتشش غم مآئد و بیماری و تب  
 عالم در این دلواپسی‌ها می‌شود شب  
 ای روزگار بی‌نشان بنگر بر این درد  
 بر ظلم و بر بی‌عدلی و ویرانه‌ی سرد  
 این نیست دنیای پر از اسرار خالق  
 دنیای شاد و ساحل و دریا و قایق  
 دنیای سرسبز و گل و پروانه و سار  
 خورشید گلگون و صدای خنده‌ی یار  
 بیگانه می‌ماند در این بازار نیرنگ  
 آواز مرگ اهرمن می‌گردد آهنگ  
 شاید کند دیوی چنین ظلم و شقاوت  
 از خوی دد تکثیر می‌گردد عداوت  
 حاصل شود از بازی‌اش خاکستر و دود  
 در مسند ظلمت فقط ظالم برد سود  
 کی می‌رسد فریاد مظلومان به منزل  
 شد قطعه قطعه از ستم شیرازه‌ی دل

این گرگ شب باید شود روزی گرفتار  
جانش چو کفتاری رود بر نیزه و دار  
از ریشه می‌سوزد بنای ظلم و ظالم  
عالم گلستان می‌شود از نور قائم  
عدل و عدالت می‌شود قانون مردم  
صلح و صفا آید به جای گرگ و کژدم

همسفر باد صبا می شوم  
راهی ایوان طلا می شوم  
شیعه به امری ازلی دلخوش است  
با علی و آل علی دلخوش است  
آنچه به هر درد و غمی غالب است  
حب علی بن ابیطالب است  
کار علی مرتضی کار ماست  
دست علی یار و نگهدار ماست  
حاجت زندان سحر مرتضاست  
مقصد و مقصود بشر مرتضاست  
معرکه ها دست یگان علیست  
دست علی و پسران علیست  
تا که بدانند علی دوست کیست  
در وسطه معرکه محکم بایست  
ترک و لر و کرد و عرب با همیم  
مدافع نظام و این پرچمیم  
حکم اگر جهاد میدان شده  
جبهه رزم ما خیابان شده  
دربه در حلقه زندان منم  
فدایی مردم ایران منم  
همانقدر که آب و نان واجب است  
خانه تکانی جهان واجب است



متّحد و یک‌دل و یک‌رنگ باش  
موشک سجّیلِ همین جنگ باش  
بر سر بیگانه چنان آتشیم  
در وسط معرکه‌ها آرشیم  
متّحدیم و سر تسلیم نه  
در بر شیطان سر تعظیم نه  
کشته عشقیم وطن جان ماست  
فخر تمام دهر ایران ماست  
از وطن از خطّه شیران بگو  
از هدف سرخ دلیران بگو  
آه سحر را به جنون می‌کشیم  
معرکه را مقتل خون می‌کشیم  
غیرت این قوم به جوش آمده  
ملت ایران به خروش آمده  
وقت پشیمانی آن جانی است  
حریف تو غیرت ایرانی است  
پای وطن شکوه‌ای از درد نیست  
کشور ما جای سگ زرد نیست  
سینه‌سپر در دل طوفان بخوان  
باز بخوان، باز از ایران بخوان

## ❖ مثنوی | محسن بصیری راد | مقاومت و حماسه

تاختن بر صف کفار جگر می خواهد  
 ها علی بَشْرُ کَیْفَ بَشْرِ می خواهد  
 در دل معرکه ها عکس رخ یار ببین  
 علی و فاطمه را دل پیکار ببین  
 باید از سمت نجف نور هویدا بشود  
 جلوات علی و فاطمه پیدا بشود  
 تا علی هست چه باک از خطر میدان ها  
 متزلزل نشدیم از تب این طوفان ها  
 علی افتاد ولی جرئت میدان داریم  
 وعده ی نصر از آقای خراسان داریم  
 معرکه دست علی و پسران علی است  
 ضربان دل شیعه ضربان علی است  
 تیغ بران علی سمت هدف می آید  
 مجتبی از دل ایوان نجف می آید  
 مجتبی می رسد از راه علمدار شود  
 در دل معرکه ها حیدر کرار شود  
 ورق حادثه این بار عیان برگشته  
 گوویا حیدر کرار جوان برگشته  
 حضرت حیدر کرار دعایش کرده  
 حضرت فاطمه هم نذر برایش کرده  
 یاسبان حرم کشور ما فاطمه است  
 سایه ی روی سر رهبر ما فاطمه است

■ **مثنوی** | محسن بصیری راد | مقاومت و حماسه

قطع یقین سمت هدف می رود  
هر که به ایوان نجف می رود  
معرکه رزم به تنگ آمده  
حیدر کرار به جنگ آمده  
قدرت حق بسته به شمشیر نیست  
هرکه رجزخوان بشود شیر نیست  
شیر فقط در خور شیرخداست  
معرکه گردان علی مرتضاست  
بارقه‌ی روشن امید کیست؟  
غیرعلی زنده‌ی جاوید کیست؟  
آی یهودی کثیف لعین  
شیر خدا آمده پاشو بین  
خوب ببین هیبت سجیل را  
هیمنه‌ی سرخ ابابیل را  
گوش به فرمان ولی می رویم  
با پسر سید علی می رویم  
با مدد از یار بزن دیو را  
شخم بزن خاک تل آویو را  
گرچه جهان خواب، تو بیدار باش  
پای علی میثم تمار باش  
هر که دلش روشن و بیدار نیست  
وقت خطر مالک و عمار نیست

هم نفس حضرت خورشید باش  
آی حسینی شو و جاوید باش  
قدرت اعجاز عصا را ببین  
نیل بهانه ست، خدا را ببین  
خسته نشو در دل میدان بایست  
پای سرافرازی ایران بایست  
مرد عمل مرد نبردیم ما  
خوب ببینید چه کردیم ما  
بر سر کفار چنان تاختیم  
معرکه را مقتل خون ساختیم  
عاقبت این قصه رقم می خورد  
بین تل آویو علم می خورد

■ **مثنوی** | طاهره توحیدی فرد | مقاومت و حماسه

باز زجر آمد و سیلی به روی دختر زد  
دل هر مرد از این درد به خود می‌لرزد  
زدن کودک مظلوم تعجب دارد  
شیعه بر میهن و ناموس تعصب دارد  
زجر امروز، شدیداً به طمع افتاده  
بر سر قدرت ایران، به ولع افتاده  
ظاهرا الامر ابرقدرت و شاخ دنیاست  
باطن الامر ولی بانی هر جنگ و بلاست  
بوق و کرنا زده که یاور ایرانم من  
ناجی کودک و زن، پشت جوانانم من  
بذر بهتان و توهم به جهان می‌کارد  
شعله‌های کمکش بر سرمان می‌بارد  
آن که بر خیمه‌ی ما چشم طمع می‌دوزد  
عاقبت در دل این معرکه خود می‌سوزد  
ایها الکفر بدانید که صاحب داریم  
هرچه دارید بیارید که ما بیداریم  
شیعه از آتش و طوفان که ندارد ترسی  
حضرت روز دهم داد به انسان درسی  
چه خوشا عاقبتی که به شهادت برسد  
غیر این راه به والله نباشد مقصد  
دست حق روی سر ماست ظفر نزدیک است  
اندکی صبر مسلمان که سحر نزدیک است

## ❖ مثنوی | محمدهدی خواجویی راوری | مقاومت و حماسه

به نام آن که ایران را به زیبایی بغل کرده  
 خدایی که شهادت را به کام ما عسل کرده  
 خداوندی که در امواج سختی پشت‌مان بوده  
 خدایی که همیشه حافظ این آسمان بوده  
 اگرچه پرگشوده رهبرم اما خدایش هست  
 بگو موسی اگر رفته است اعجاز عصایش هست  
 خدای رهبری پشت و پناه ماست ای مردم  
 خدا در قلب طوفان قدرتش پیداست ای مردم  
 برای گریه کردن بر شهیدان وقت بسیار است  
 و حالا موقع همسنگی در اوج پیکار است  
 به وقت انتقام است از رژیم قاتل خونخوار  
 به وقت انتقام شیرها از گله‌ی کفتار  
 دعای ما اثر دارد بدون شک در این اوقات  
 که پیروز است تسبیحات بر هرگونه تسلیحات  
 به لطف حق در این پیکار صهیون خاک می‌گردد  
 و اسرائیل، از نقشه‌ی دنیا پاک می‌گردد  
 یهودی‌ها! خدا با ملت این خطّه همراه است  
 خدای ما خدای آیه‌ی «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ» است  
 خدا پیداست در هر موشکی که می‌خورد بر تو  
 به پایان می‌رسی با قدرت الله آخر تو  
 تلاویو و دل حیفا اسیر خشم سجّیل است  
 و باز امروز دنیا در تماشای ابابیل است

گمان کردی که یک موشک حریف نور ایمان است  
 نمی‌میرند مردان خدا این حرف قرآن است  
 همیشه رهبر من پیرو راه عمویش بود  
 نمی‌ترسید از مرگ و شهادت آرزویش بود  
 حسینی زندگی کرد و بریء بود از پلیدی‌ها  
 شبیه جدّ خود بیعت نکرد او با یزیدی‌ها  
 شهیدش کردی امّا ای یهود بخت برگشته  
 ببین بیچاره که سیّد علی حالا جوان گشته  
 دوشنبه بود و شام قدر یک دفعه ندا آمد  
 کنون سیّد علی با نام سیّد مجتبی آمد  
 به فرمان‌های سیّد مجتبی لبیک می‌گوییم  
 سراسر عهد می‌بندیم که ما پیرو اویم  
 معاویه در ایران خیمه‌اش برپا نخواهد شد  
 امام مجتبی بعد از علی تنها نخواهد شد  
 دوباره وقت جنگ حیدر کرار خواهد شد  
 امام مجتبی آمد جمل تکرار خواهد شد  
 شنیدم ای یهودی‌ها کسی هم با شما یار است  
 همان ملعون که از کودک‌کشانِ کودک‌آزار است  
 شغال پست امریکا، تو هم که دُم درآوردی  
 اگر دنبال ایرانی‌ها خلی غلط کردی!  
 طمع کردی به خاک میهنم، گرگ جفاپیشه  
 هزاران سال اینجاییم ما ای پست بی‌ریشه  
 اگر در فکر ایرانی همین حالا بشو آگه  
 «شتر در خواب بیند پنبه‌دانه» مردک ابّله

جلوی کل دنیا هشت‌سال این خطّه جنگیده است  
 تمام عمر این خاک مقدّس دردها دیده است  
 برو تاریخ ایران را بخوان که اهل ایران کیست  
 برای مردم ایران‌زمین، این‌ها که چیزی نیست  
 بیاور در خلیج فارس کل ناوهایت را  
 بیاور سامری لابلالی، گاوهایت را  
 بیاور تا ببینی ضرب شست و تیر آرش را  
 به روی پیکر ناوت شکوه و رقص آتش را  
 خدا پیروز گردانده همیشه جبهه‌ی حق را  
 شما نشاختی گویا خدای جنگ خندق را  
 گمان کردی که ما با جبهه‌ی کفّار هم‌رنگیم  
 شما آدم‌خور و ما با دهان روزه می‌جنگیم  
 همیشه خاک ایران تحت الطاف خداوندست  
 برای کشور ما چادر زهرا پدافندست  
 خدا با ماست ما را کدخدا هرگز نیازی نیست  
 بدان ای گرگ‌زاده جنگ با ما بچه‌بازی نیست  
 دل ما لحظه‌ی پیکار مانند دماوند است  
 و ما هستیم در میدان که نصرت از خداوند است  
 چه می‌دانی تو از ایران و از مردان نامی‌اش  
 ززن‌های شجاع و از سحرهای امامی‌اش  
 بخوان تاریخ را تسلیم در وجدان ما ننگ است  
 و ایرانی همیشه قاطع و آماده‌ی جنگ است  
 همیشه دشمن ایران به قعر چاه راهی شد  
 تو هم طبق بیان رهبرم بیچاره خواهی شد



اشعار کلاسیک | مقاومت و حماسه

یهود از اوّل تاریخ با شیعه در افتاده  
و با آل علی هرکس در افتاده ورافتاده



❖ **مثنوی** | محمدمهدی خواجویی راوری | مقاومت و حماسه

هنگامه‌ی جنگ است، این میدان خطر ساز است  
 ای خیبر یون آل حیدر پشت دروازه است  
 خیبر شکن بودن مرام حیدریون است  
 شیعه بیا هنگام نابودی صهیون است  
 ما کربلا را در دل این جنگ می‌جوئیم  
 ما در جواب ظالمان «هیّهات» می‌گوییم  
 «هیّهات و متا الذلّة» آیین حسینی‌هاست  
 سربند سقّای حسین و زینب کبراست  
 ای شمر! یا خیبر دوباره باز می‌گردد  
 یا کربلای دیگری آغاز می‌گردد  
 پیروز پیکاریم و حالا هی تو حاشا کن  
 ما فاتح جنگیم، بنشین و تماشا کن  
 در معرکه ما را چنان ققنوس می‌بینی  
 هر شب به یاد خشم ما کابوس می‌بینی  
 ای مردک ابله رها کن باوه‌گویی را  
 انگار می‌خواهی تو این بی‌آبرویی را  
 جنگ زمینی شماها مایه‌ی خنده‌ست  
 اینجا بیایی بی‌تعارف گورتان کنده‌ست  
 ایران اسلامی بالای جان امریکاست  
 این خاک، گورستان سربازان امریکاست  
 این سرزمین میراث خون لاله‌پوشان است  
 این خاک، تحت بیرق شاه خراسان است

در صحنه می‌آییم و چون آرش نمی‌ترسیم  
زهرا پناه ماست از آتش نمی‌ترسیم  
آرام کرده ذکر یا زهرا تلاطم را  
باید بخوانی آیه‌ی والفجر هشتم را  
نیلیم و از فرعونیان نامه نمی‌خواهیم  
از شمر دوران ما امان نامه نمی‌خواهیم  
کوهیم و طوفان حوادث چیره بر ما نیست  
در کشتی نوحیم و باک از موج دریا نیست  
ما حیدریم و در زمان رزم می‌جنگیم  
چون زینب کبری میان بزم می‌جنگیم  
دیگر گذشته دوره‌ی جادوی ساحرها  
اعجاز موسی را ببین در پای لانچرها  
ایمان ما بر سحر شیطان می‌شود غالب  
با ذکر زیبای علی ابن ابی‌طالب  
تصمیم ما چیزی به جز تخریب خیبر نیست  
تسلیم و سازش در مرام آل حیدر نیست  
بی‌شک سزای ظالمان مانند نمرود است  
آری به زودی قوم اسرائیل، نابود است  
صهیون بدان نابودیت یه وعده‌ی قطعی‌ست  
ابزار قدرت مانع این وعده‌ی حق نیست  
روزی به پایان می‌رسد اشغال و خودکامی  
فانی تویی و باقی است ایران اسلامی  
جمهوری اسلامی ایران شرف دارد  
این سرزمین فرمانروایی در نجف دارد

❖ **مثنوی** | محمدمهدی خواجویی راوری | مقاومت و حماسه

دلم امشب به نام نصر، پرشور و رجزخوان است  
 به گوش ای دشمن بیگانه امشب وقت طوفان است  
 صدای استوار حیدر کزّار می آید  
 علی دارد به سوی جبهه‌ی کفّار می آید  
 ندای «لأَقْتَى إِلَّا عَلِيٌّ» پیچید در میدان  
 بترس از خشم مولایم بترس از صفدر میدان  
 به وقت فتح خیبر شد علی با ذوالفقار آمد  
 حرامی‌های اسرائیل! هنگام فرار آمد  
 علی با تیغ خود سر از حرامی‌ها جدا کرده  
 و حالا شیعه‌ی حیدر به حیدر اقتدا کرده  
 بدانید ای یهودی‌ها! که ما اولاد آن مردیم  
 و با امداد آن مرد است اگر بیچارگان کردیم  
 من و تسبیح یا زهرا، شما و اف سی و پنجت  
 ببین با ذکر یا زهرا چگونه می‌دهم رنجت  
 شما شیطان پرست و ما خدا را بر زبان داریم  
 شما مُشتی خرافه، ما مفاتیح الجنان داریم  
 یهودی‌ها شما دنبال کفر و ما هدف داریم  
 شما تورات تحریفی و ما قرآن به کف داریم  
 پناه توست آن گنبد که با یک لرزه ویران است  
 پناه ما ولیکن گنبد شاه خراسان است  
 بدانید ای یهودی‌ها که ما اولاد عبّاسیم  
 سر ناموس ایران و سر این خاک حسّاسیم

درون صحنه پرشور و رجزخوانیم ای صیهون  
اگر پایش بیفتد مرد میدانیم ای صیهون  
چه زیبا می‌شود تکرار عاشورا و شور آن  
چه زیبا می‌شود ترسیم، در میدان شعور آن  
به سوی مرگ راهی‌ام ولیکن سوی دشمن نه  
مرا م خاک خوردن هست، اما خاک دادن نه  
رها کن دشمن ایران غلط‌های پیاپی را  
نخواهی خورد تو یک دانه هم از گندم ری را  
اگر هر ناو جنگی‌ات شبیه تایتانیک است  
بیا در تنگه‌ی هر رمز ولیکن تنگه باریک است  
کنون فهمید امریکا چرا دریند این نامیم  
چرا این آب‌ها را ما خلیج فارس می‌نامیم  
کنون فهمید که ایرانی از دشمن نمی‌ترسد  
برای دادن جان در ره میهن، نمی‌ترسد  
خدا با قدرتش فرعون‌ها را غرق خواهد کرد  
دعای مردم ایران شما را غرق خواهد کرد  
خدا با ماست ای مردم نمی‌ترسیم از دشمن  
سلاح ماست ایمان و نمی‌ترسیم از آهن  
به زودی لشکر حیدر! ندای نصر می‌آید  
در این میدان مقاوم باش امام عصر می‌آید  
کنون تا می‌رسد فرماندهی فرزانه‌ی این ایل  
بگو که مرگ بر کفار امریکا و اسرائیل

## ■ مثنوی | زهرا رحیمی | مقاومت و حماسه

تا ابد از شکوه لبریز است  
خاک پاکی که پهلوان خیز است  
خاک، این خاک سر به سر ایمان  
خاک اجدادی‌ام کهن ایران ...  
وطنم عرصه‌ی تهمتن‌هاست  
وطنم از حماسه‌ها دریاست ...  
وطنم پایدار و نستوه است  
وطنم در نبردها کوه است  
روز تجدید عهد آمده است  
روز مردان مرد آمده است  
روز روز شگفت یاری‌هاست ...  
عرصه در دست بختیاری‌هاست ...  
عرصه در دست ایل قشقایی‌ست  
عرصه‌ی شور و عشق و شیدایی‌ست  
ایل برنوبه دست بیدار است  
پر خروش است، رود هشیار است  
گوش کن با تواییم اسرائیل  
جان به دستش گرفته صدها ایل ...  
کرده‌ها، ترک‌ها، بلوچی‌ها  
اتّحاد است رازِ ملت ما

■ **مثنوی** | زهرا رحیمی | مقاومت و حماسه

بی گمان مرز عشق پیروز است  
خشم ما خشم خانمان سوز است  
خاک ایران به جز مزارت نیست  
هیچ خیری در انتظارت نیست...  
مرگ بر هرکه از شرف خالی ست  
مرگ بر دولتی که پوشالی ست  
مرگ بر جعلیان بی همه چیز  
مرگ بر هر شغال دندان تیز  
مرگ بر کژدمان کودک خوار  
مرگ بر جانیان بی مقدار  
بر حذر باش ای ابوسفیان...  
که نخواهد گسست کشورمان  
شیشه‌ی عمر تو شکسته شود  
دفترت تا همیشه بسته شود...  
پهلوانان دوباره سرزنید  
به دل این هزاره سرزنید  
از تب شاهنامه سرزنید  
پر جگردانه دانه سرزنید  
سرزنید این وطن‌فروشان را  
یک یک خیلِ باده‌نوشان را  
سرزنید اژدهای دوران را  
دشمنان خبیث قرآن را

مانده بر دست‌مان هزاران داغ  
غنچه زد در تن بهاران داغ  
داغ داغ شگفت پیر و جوان  
سروهایی نظیر کوچک‌خان  
قلل‌های سترگ با عظمت  
مردهای همیشه در خدمت...  
آه از آن آسمان بی‌تکرار  
آه از آن سربلند پرچمدار  
آه از آن بی‌کران دریا دل  
مرد میدان مجاهد کامل...  
قائد امت رسول الله  
آن مراد آن دلاور آگاه  
آن که از چشمه چشمه ایمانش  
آن که از عزت فراوانش  
آنکه از لطف بی‌نهایت او  
آنکه از قلب با سخاوت او  
پرچم نور در جهان بالاست  
وطنم استوار و پا برجاست...  
بی‌گمان موسم ظفر برسد  
عمر قوم یهود سر برسد  
صاحب عشق باز خواهد گشت  
و جهان دلنواز خواهد گشت

■ **مثنوی** | حسین رضاییان | مقاومت و حماسه

به نام نامی ایران، به نام پاک وطن  
به نام آنکه نباشد بدون او این تن  
قسم به مرز گهربار آریایی مان  
قسم به کشور پر افتخار مان ایران  
به مردمان غیوری که گفته پیک خدا  
بلند بیرقشان رفته تا ثریاها  
به وارثان سیاوش که همچو ققنوسند  
و در سیاهی شب دانه دانه فانوسند  
که در حماسه ی خندق به سان سلمانند  
مدافعان بلندای نام ایرانند  
قسم به عزت جاری میان رگ‌ها مان  
خراب خواهد شد برج فرعون و هامان  
میان معرکه با سر دویده‌ایم آری  
دل از تعلق دنیا بریده‌ایم آری  
مرور می‌کنم اینک حماسه‌ها مان را  
غرور مردم پر افتخار ایران را  
دلوران سلحشور جنگ تحمیلی  
غیورها به مصاف سپاه قابیلی  
ستاره‌های درخشان آسمان وفا  
شهید همت و خرازی و جهان آرا  
شهید باکری و باقری و بابایی  
شهید کاظمی و رستگار و وزوایی

به احترام حرم از مدافعان بودیم  
 فداییان علی در همه زمان بودیم  
 به یاد دسته گلان مصافی خان طومان  
 که نامشان همه باران، که یادشان طوفان  
 چه باکمان که بمیریم در هوای علی؟  
 خدا کند که بمیریم ما برای علی  
 به شوق دیدن حیدر چه باکمان از مرگ؟  
 فداییان علی و هراسشان از مرگ؟!  
 سخن همیشه همین بوده تا ابد این است  
 سروده‌ای که برایم همیشه شیرین است  
 «علی امام من است و منم غلام علی  
 هزار جان گرامی فدای نام علی»  
 اگرچه مشت گره کرده‌ایم و دیده پُر آب  
 برای دخترکان شهیده‌ی میناب  
 برای رهبر فرزانه‌ی شهید وطن  
 برای ماتم این خاک، خاکمان، میهن  
 قسم به مشت گره کرده‌ی امام شهید  
 همواره اول صف، او به آرزوش رسید  
 اگرچه بر دلمان داغ ظلم صهیون است  
 و داغ بر غم ما بیقرار و مجنون است  
 خروش غیرت ایرانیان بیا و ببین  
 دوباره لاله بکار و دوباره لاله بچین  
 خروش کُرد و بلوچ و جنوبی و گیلک  
 غرور ترک و عرب، ترکمن، همه، تک تک

یکی شدیم همه در حفاظت از ایران  
به اتحاد خدا داده است عزت‌مان  
به همدلی به جهان شهره‌ایم ای مردم  
و آبرو ز عدو برده‌ایم ای مردم  
قسم به دست علمدارمان سلیمانی  
هلاکت است نصیب سپاه سفیانی  
که اتحاد من و تو خروش سجیل است  
خروش خیبر و فتاح و صد ابابیل است  
و این حضور خودش موشک است، پهباد است  
فدای آنکه برای شهادت آماده است  
مسیر سرخ حسین است پیش روی وطن  
طریق سبز شهادت، مسیر جان دادن  
و این اراده‌ی حق است، گرچه جانسوز است  
که خون به تیزی شمشیر کفر پیروز است  
خبر رسیده خبرهای دور نزدیک است  
خبر رسیده که روز ظهور نزدیک است  
خدا کند که بیاید امام و مولایم  
کجاست منجی من تا ز غیب در آییم...

■ مثنوی | سید حسین صدری | مقاومت و حماسه

بر گُرده‌ی عالم عجب تابید ایران  
 جاوید باد ایرانی و جاوید ایران  
 رفته پدر اما به جا مانده تفنگش  
 قربان این پرچم فدای هر سه رنگش  
 بر جای جای خاک‌مان حساس هستیم  
 تنها به زیر بیرق عباس هستیم  
 این ملت سرخ شهادت رو سفید است  
 چون که شعارش لایبایع با یزید است  
 این حرف ما حتّی به روی دار باشد  
 الْمَوْتُ أُولَىٰ مِنْ رُكُوعِ بِالْعَارِ بَاشِد  
 نیروی ما تا قلب دشمن را گسسته  
 این اتحاد ماست دشمن را شکسته  
 ماها علمدار خیابانیم مردم  
 تا فتح کامل نیز می‌مانیم مردم  
 در سلک‌مان تسلیم یا خواهش نداریم  
 با قاتل آقای‌مان سازش نداریم  
 این جمعیت تیری بر آن کاخ سفید است  
 این جوشش از آثار آقای شهید است  
 این حرف ایران است و ایرانی‌ست دنیا!  
 این عُرْش نسل سلیمانی‌ست دنیا!  
 ما جان فدا هستیم تا قرآن بماند  
 جمهوری اسلامی ایران بماند

ایران همیشه پرچمش بالاست مردم  
 مشت گره کرده نماد ماست مردم  
 امروز اصلاً وقت شخصی محوری نیست  
 حجت به غیر از حرف‌های رهبری نیست  
 شکر خدا ما با ولی مانوس گشتیم  
 امروز بر امری مهم مبعوث گشتیم  
 این روشنی‌ها پرتوی از سمت نور است  
 تکلیف ما آماده سازی ظهور است  
 ما دست‌مان باشد در این میقات برتر  
 تسبیح ما باشد ز تسلیحات برتر  
 ماها تهمت‌ن‌وار اینک بی‌حریفیم  
 ما فاتحان مضجع قدس شریفیم  
 إِنَّا عَلَى الْعَهْدِ مَا غَرَّدَ جِهَانِي  
 پس نهضت مهدی ما گردد جهانی  
 از قلعه‌ی خیبر دوباره، در بیفتد  
 با مرتضی هرکس بجنگد ور بیفتد  
 باید علیه ظالمان برخاست مردم  
 قدری تحمل، که خدا با ماست مردم  
 قلب همه اینک امید فتح دارد  
 این پیچ تاریخی نوید فتح دارد  
 هرکس دهد جان بر ولی، پیروز باشد  
 قطعاً در این بازی علی پیروز باشد  
 شیعه همیشه تا نفس دارد بماند  
 صد معجزه مثل طبعس دارد بماند

موسی به سمت نیل می‌آید یقیناً  
 پایان اسرائیل می‌آید یقیناً  
 طوفان رعد و برق می‌آید ببینید  
 فرعون وقت غرق می‌آید ببینید  
 خاشاک‌ها! حالا زمان گردباد است  
 وقت به زیر آوردن ابن زیاد است  
 زخمی، ولی این نخل پابرجاست دنیا!  
 امروز نبض جنگ دست ماست دنیا!  
 عالم بیاید این دلیری را ببیند  
 شاگردهای تنگسیری را ببیند  
 این لشکر صاحب زمان آماده مانده  
 در ذهن ما افکار حاجی‌زاده مانده  
 ما رو به روی ظالمان مانند کوهیم  
 نزدیک صبح روشن فَتْحُ الْمُتَوَحِّمِ  
 چیزی نمانده تا ظفر بیدار هستیم  
 دلتنگ روی حضرت دلدار هستیم  
 چیزی نمانده فصل هم‌عهدی بیاید  
 چیزی نمانده حضرت مهدی بیاید

■ **مثنوی** | فاطمه غلامین | مقاومت و حماسه

شوق دیدار، عجب بال و پری داد به جان  
عاشقی بوده و امید، رهایی ز جهان  
همچو موسی به تمنّای تجلّی در طور  
شعله‌ور گشت و گذشت از شب تاریک عبور  
پیر ما بود و به راه وطنش، جان بسپرد  
ذبح عظمی شد و میراث شهیدان را برد  
عطر اخلاص، که در سینه‌ی او پنهان بود  
آشکارا شد و سرمشق همه یاران بود  
آن خلیلی که به آتش، جگر شعله شکافت  
آخر از جذبه‌ی حق، راه به معشوق بیافت  
گرچه خورشید شد و رفت، ولی پرچم اوست  
در کف آن که طنین سخنش، مرهم اوست  
خون او در رگ این حادثه جریان دارد  
او که در قلب زمان، لشکری از جان دارد  
آن که بر کرسی این راه جلی آمده است  
وارث علم و علمدار علی آمده است  
او که چشمان ترش، آینه‌ی خورشید است  
در نگاهش غزل فتح و دم امید است  
موج در موج، سپاهی ست خروشان در راه  
تحت فرمان ولی، همدم و همراه پگاه  
مقصد ما نه فقط خاک، که ملک ازلی ست  
دشمن ما به ابد، دشمن خونخواه علی ست

می‌رسد منتقم اصلی و آن یار غریب  
 تا که پایان بدهد بر شب تزویر و فریب  
 پرچم این شهدا، دست علمدار رسید  
 چشم دنیا همه بر منتقم یار رسید  
 وارث غیرت حیدر، که به میدان آمد  
 مژده‌بخش سحر و دولت خوبان آمد  
 گرچه رفت آن مه و در سوگ رخس، گریانیم  
 پشت این «سید نو»، لشکر بی‌پایانیم  
 قدس، نزدیک‌تر از هر چه که پنداشته‌اند  
 بذر فتحی ست که در خون «ولی» کاشته‌اند  
 بوی موعود می‌آید ز پس این طوفان  
 عالم آماده شده، بهر طلوع جانان  
 این علمدار که بر راه وفا می‌تازد  
 بزم دیدار رخ یار، بنا می‌سازد  
 می‌رسد منتقمی، کعبه تکان خواهد خورد  
 تیغ عدلش به رگ جور جهان خواهد خورد  
 می‌دهد رهبر ما پرچم این نهضت را  
 دست آن کس که عیان می‌کند این عزت را

■ مثنوی | فاطمه غلامین | مقاومت و حماسه

به نام نامی ایران، به نام خون شهید  
به آن شکوه بلندی که عالم از تو بدید  
بیا که وقت جهاد و دفاع از وطن است  
که چشم عالمیان خیره بر همین سخن است  
اگرچه رهبر محبوب ما ز دنیا رفت  
گمان مبر که شکوهش ز آسمان ها رفت  
به خون نوشته که این خاک، میهن جان است  
همان که دشمن سفاک، در پی آن است  
بیا به جاده، به میدان، به سمت آینده  
بگو هنوز علم مانده دست فرمانده  
بمان میانه‌ی میدان، بمان به پای وطن  
که دشمن ست امیدش به رفتن تو و من  
بیا که پرچم او روی دوش ما باقی ست  
مسیر روشن حق، روبروی ما باقی ست  
بگو به دشمن بدخواه، ما نمی ترسیم  
میان مهلکه جز از خدا، نمی ترسیم  
قسم به غیرت ملت، به خون رهبرمان  
فدای مام وطن، ذره ذره پیکرمان

## ■ مثنوی | فاطمه غلامین | مقاومت و حماسه

آماده به رزمیم و دعایمان به سجود است  
اینجا وطن قاتل اقوام یهود است  
ما دلهره از کشتن این نحس نداریم  
از وَقِّ وَقِّ و هوهوی سگان ترس نداریم  
ما وارث بدریم و همین نکته دم ماست  
«جمهوری اسلامی ایران حرم ماست»  
این صفحه‌ی پایانی این قوم کثیف است  
پایان خوش، آزادی آن قدس شریف است  
ما در ره این ظلم شهادت طلب هستیم  
دل را به خوشی‌های جهان هیچ نبستیم  
امّا؛ برسانید به گوش کَرِ جَلاد  
«با آل علی هر که در افتاد و افتاد»

■ مثنوی | فاطمه غلامین | مقاومت و حماسه

این خاک با خون شهیدان آشنا باشد  
و راه مردم از خَطِ دشمن جدا باشد  
این روزها ما در خیابان صحنه‌ها دیدیم  
دست و سر و پا را ز پیکرها جدا دیدیم  
این گرگ‌ها تدبیر ملت را نمی‌فهمند  
مفهوم پر رنگ شهادت را نمی‌فهمند  
ما در رکاب سرور و شاه شهیدانیم  
در راه حق از هیچ کاری، وا نمی‌مانیم  
از کودکی با اشک روضه قد علم کردیم  
ما با همین فرهنگ، ایران را حرم کردیم  
این روزها در شهر، غوغایی به پا بوده  
چیزی شبیه صحنه‌های کربلا بوده  
رگ‌ها بریده، دست‌ها از تن جدا مانده  
طفلی سه ساله، غرق خون، بر دست‌ها مانده  
سربازِ مظلومی که زیر دست و پا مانده  
یا مادری که بین آتش‌ها، جدا مانده  
دشمن میان خانه‌ها آتش به پا کرده  
صفحه به صفحه خط قرآن را جدا کرده  
بازار مردم را میان دود سوزانده  
قلب تمام شهر در بازار جامانده  
این روزها تاریخ، بد تکرار می‌گردد  
دیگر تحمل هم کمی دشوار می‌گردد

این ظلم‌ها ما را از این ره، بر نمی‌دارد  
این خاک آن دارد که حتی زَر، نمی‌دارد  
این جنگ ثابت کرده ایرانی شَرَف دارد  
در راه حفظ میهنش جان را به کف دارد  
دشمن بداند، ما همیشه با علی هستیم  
تا پای جان، تسلیم امر رهبری هستیم

مربع ترکیب | راضیه جنبه‌داری | مقاومت و حماسه

انسان که نه! حیوان نه! آخر چیستی؟  
نان می‌زنی در خون! تو دیگر کیستی؟  
تو تا بن دندان مسلح نیستی؟  
با ترس رو در رویمان می‌ایستی  
نیروی ما از جای دیگر آمده  
الله مَوْلانا و لا مَوْلِي لَكُمْ  
خون ریختی! جاری شد آخر رود شد  
کودک‌کشی کی شیوه‌ی داوود شد؟  
همراه تو فرعون شد، نمرود شد  
با هر سکوت انسانیت نابود شد  
صبر خدای صبر هم سر آمده  
الله مَوْلانا و لا مَوْلِي لَكُمْ  
هرچند شیطان هم شده جاسوس تو  
هرجا رسیده دست اختاپوس تو  
پس چیست این تب‌لرزه‌ی مأیوس تو؟  
بیداری دنیا شده کابوس تو  
عمر جهان مکر آخر آمده  
الله مَوْلانا و لا مَوْلِي لَكُمْ  
آن طفل نامشروع آخر پیر شد  
کُشتی! مگردست‌تواز خون سیر شد؟  
یحیای ما یحیای ما تکثیر شد  
فریادها هر آینه تکبیر شد

طوفانی از الله اکبر آمده  
 الله مَوْلانا و لا مَوْلِي لَكُمْ  
 اخبار شد هر لحظه پر شلیک‌تر  
 تاریک شد دنیا چنان تاریک‌تر  
 راه نفس از مو شده باریک‌تر  
 یا مرگ ما یا مرگ تو نزدیک‌تر  
 ما که نمی‌میریم، باور آمده  
 الله مَوْلانا و لا مَوْلِي لَكُمْ  
 خون ریختی! خون پیمبرزاده را  
 تا که ببلعی لقمه آماده را  
 اما ندیدی مردم آزاده را  
 حالا ببین این لشکر دلداده را  
 این امت مبعوث، رهبر آمده  
 الله مَوْلانا و لا مَوْلِي لَكُمْ  
 تحقیر طوفان طیس تکرار شد  
 مشت گران‌ت خرد و بی‌مقدار شد  
 نمرود در اوج غرورش خار شد  
 آن لشکر فرعون، تار و مار شد  
 دست خدا از آستین در آمده  
 الله مَوْلانا و لا مَوْلِي لَكُمْ

■ مربع ترکیب | راضیه جتهداری | مقاومت و حماسه

خبر رسید و غصّه از سر گذشت  
خبر رسید و آه از این سرگذشت  
خبر رسید و روضه‌ی فتله‌گاه  
صبر همه از خط آخر گذشت  
پناه ما در این غم بی‌شکیب  
نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحُ قَرِيبٍ  
اشک رسید و سوگووار آمدیم  
به سر زنان و بی‌قرار آمدیم  
غیبت خورشید به سر می‌آید؟  
ما که به حال اضطرار آمدیم  
هوا پر از دعای اَمَّنْ یُجِيبُ  
نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحُ قَرِيبٍ  
شهر پر از پرچم خونخواهی است  
بعثت خون، نصرت آگاهی است  
بر سر عهد انتقام سختیم  
تیغ به سوی دشمنان راهی است  
خشم مقدّس آمده بی‌رقیب  
نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحُ قَرِيبٍ  
فتح رسیده از جناب فتّاح  
نصر رسیده از یدِ یدالله  
بارش سجّیل به لشکر فیل  
جهان شده در این شعار همراه

مرگ بر اشغالگر پر فریب  
نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحُ قَرِيبِ  
به یک عقیده و به یک باوریم  
همه فدائیان یک رهبریم  
وحدت ما سلاح دشمن شکن  
به امر یک امام، فرمانبریم  
فتح اهورایی قوم نجیب  
نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحُ قَرِيبِ

مربع ترکیب | محمدهدی خواجویی راوری | مقاومت و حماسه

ایران همه‌اش مملکت یوسف زهراست  
باید که به عشق پسر فاطمه برخاست  
آن مردِ نخستِ وسطِ معرکه مولاست  
در قلب خیابان همه شب منتظر ماست

ای هموطنان جان شما، جان خیابان  
تاریخ، گره خورده به میدان خیابان  
در معرکه امروز به دوش همه دین است  
امروز خیابان، حرم امن حسین است  
ایران حسین بن علی نور دو عین است  
هر گوشه‌ی این شهر، چو بین‌الحرمین است

مشغول دعایم دم ایوان خیابان  
تاریخ، گره خورده به میدان خیابان  
هیئات حسین بن علی روی لبان است  
امروز، وطن غرق شعور و هیجان است  
پشت سر فرمانده و آقای جوان است  
با ذکر علی فاتح جنگ رمضان است

ای ارتش آماده‌ی گردان خیابان  
تاریخ، گره خورده به میدان خیابان  
هستیم در این معرکه تا روز قیامت  
امروز خیابان شده محراب عبادت  
دارد خم هر کوجه مسیری به سعادت  
ما ملت دل‌باخته‌ی شهد شهادت:

هستیم همه بر سر پیمان خیابان  
تاریخ، گره خورده به میدان خیابان

ترسیده مگس از رجز خطّهی ققنوس  
با دیدن این هیمنه دشمن شده مأیوس  
فریاد وطن دوستی ما شده کابوس  
لرزید تالوویو از این ملت مبعوث  
دشمن شده سرگشته ز طوفان خیابان  
تاریخ، گره خورده به میدان خیابان  
مغلوب نشد هیچ زمان لشکر مولا  
پیروز شود مملکت ام ابیها  
ایران سپرش چیست؟ فقط چادر زهرا  
رهنامه‌ی ما چیست؟ فقط گفته‌ی آفا  
فرمود به ما رهبر فرزانه: «خیابان»  
تاریخ، گره خورده به میدان خیابان

مربع ترکیب | محمدمهدی خواجویی راوری | مقاومت و حماسه

باید جهان ببیند، این حس معنوی را  
 در عرصه‌ی خیابان، این ملت قوی را  
 شهنامه‌ی حضور و طوفان مثنوی را  
 شور حماسه‌ساز ایران مهدوی را  
 در راه حفظ اسلام، جان‌ها فدای مهدی‌ست  
 کوری چشم دشمن، ایران سرای مهدی‌ست  
 دل‌های ما اسیر، آقای جمکران است  
 ذکر بقیه‌الله، آرام‌بخش جان است  
 ایران در انتظار، فرماندهی جهان است  
 مهدی طلایه‌دار مولای مومنان است  
 ایران با ولایت، تحت لوای مهدی‌ست  
 کوری چشم دشمن، ایران سرای مهدی‌ست  
 از خاک شاهنامه، ابلیس در هراس است  
 بر قطع آتش ما، دشمن در التماس است  
 ایرانی حقیقی، دریایی از حماسه‌ست  
 چشمان ما مطهر، با اشک استغاثه‌ست  
 این خاک، وام‌دارِ عطرِ عبا‌ی مهدی‌ست  
 کوری چشم دشمن، ایران سرای مهدی‌ست  
 دشمن اگرچه امروز، دارای مال و قصر است  
 با گرگ‌های خونخوار، ایران اگرچه حصر است  
 این خاک شیرپور، تفسیر فتح و نصر است  
 رمز جهاد میدان، نام وَلِيِّ عَصْر است  
 تنها سلاح ایران، دست دعای مهدی‌ست  
 کوری چشم دشمن، ایران سرای مهدی‌ست

ایران کربلایی آکنده از شعور است  
 چون کوه استوار و چون ماه غرق نور است  
 از سختی زمانه همواره در عبور است  
 این کشور مبارک، آماده‌ی ظهور است  
 این ملت وفادار، همواره پای مهدی‌ست  
 کوری چشم دشمن، ایران سرای مهدی‌ست  
 دنیا در انتظار پیکار ذوالفقار است  
 مشرق در انتظار خورشید شهبوار است  
 مهدی اگر بیاید، تا قدس رهسپار است  
 با تیغ حیدری‌اش پیروز کارزار است  
 هنگامه‌ی قیام سربازهای مهدی‌ست  
 کوری چشم دشمن، ایران سرای مهدی‌ست

مربع ترکیب | محمدهدی خواجویی راوری | مقاومت و حماسه

«ما پیرو فرماندهی کل قواییم»  
ما متحد بر حول امر مقتداییم  
در راه ایران ولایسی جانفداییم  
ما رهسپاران مسیر کربلاییم

تاریخ، دست مردمان با اراده‌ست  
مردم! سلاح اصلی ما اتحاد است  
سنگر خیابان است مستحکم بمانید  
فرمود آقامان: «کنار هم بمانید»  
با هر عقیده پای این پرچم بمانید  
پای دفاع از وطن محکم بمانید

فریاد ملت سوختِ قدر و عماد است  
مردم! سلاح اصلی ما اتحاد است  
اکنون معاویه در اوج التماس است  
با وحدت ما، قوم شیطان در هراس است  
مردم! سخن‌های غریبه بی‌اساس است  
هر تفرقه بی‌شک فریبِ عمرو عاص است

تاریخ در پیچ بزرگی ایستاده‌ست  
مردم! سلاح اصلی ما اتحاد است  
دشمن اگر با اقتصاد آزارمان داد  
شعب ابی‌طالب به ما ره را نشان داد  
ایمان ما درسی به کفار زمان داد  
فریاد ما کاخ ستمگر را تکان داد

دشمن اگر دنبال جنگ اقتصاد است  
مردم! سلاح اصلی ما اتحاد است

ایران جلوی ظالمان کوه غرور است  
 شور حسینی‌اش، هم‌آواز شعور است  
 در اوج سختی‌ها، چنان زینب صبور است  
 مردم! حسین امروز، خواهان حضور است  
 ایران عاشورا به ذلت تن نداده‌ست  
 مردم! سلاح اصلی ما اتحاد است  
 امروز، مردم! گفته‌ی قرآن، خیابان  
 امروز، ارزشمندتر از جان، خیابان  
 از سوی رهبر می‌رسد فرمان، خیابان  
 دلگرمی فرماندهی میدان، خیابان  
 اکنون حضور در خیابان‌ها جهاد است  
 مردم! سلاح اصلی ما اتحاد است  
 باید بیایم یوسف زهرا ببینند  
 این ملت آماده را آقا ببینند  
 نسل ظهور نور را مولا ببینند  
 یا مهدی ما را همه دنیا ببینند  
 با همدلی ما امام عصر، شاد است  
 مردم! سلاح اصلی ما اتحاد است

❖ **مخمس** | راضیه جبه‌داری | مقاومت و حماسه

دیدمت مثل من دل‌ت خون بود  
خشم‌ت از حد وصف بیرون بود  
در دل‌ت موج موج غصّه و خشم  
مشت تو اشک‌های مجنون بود  
کیف کردم که با تو هموطنم  
آمدی کودکی به دوش‌ت بود  
صد ترک دست سخت‌کوش‌ت بود  
چشم‌هایت هنوز می‌جوشید  
انتقام اولیین خروشت بود  
کیف کردم که با تو هموطنم  
با عصا آمدی ق‌دت خم بود  
چشم‌هایت لب‌الب از غم بود  
دست‌هایت اگر چه می‌لرزید  
لحن تک‌بیرهات محکم بود  
کیف کردم که با تو هموطنم  
بمب آمد ولی نترسیدی  
زخم دیدی ولی نرنجیدی  
ترس‌هایت شجاعت محض‌اند  
تو پر از شور و شوق و امید  
کیف کردم که با تو هموطنم  
خبر فتح و افتخار آمد  
کودکت با شعار بار آمد  
بس که جانانه آمدی میدان  
کودکت نیز پای کار آمد

کیف کردم که با تو هموطنم  
پیرهن مشکی و عزاداری  
پای ایران هنوز بیداری  
ماکنار همیم بالبخند  
مهربان تر شدیم انگاری  
کیف کردم که با تو هموطنم  
توی ماشین دوتاسه تا پرچم  
در خیابان کنار هم باهم  
مشت دست چپ گره کرده  
غم او هست و عزممان محکم  
کیف کردم که با تو هموطنم

چهارپاره | مریم آقایی شوکی | مقاومت و حماسه

باز آرامم ولی مثل صدا  
در سکوت مبهمم چون ناخدا  
باد هوهو می‌کند در شهر ما  
می‌گریزد حال خوش از این هوا

موج می‌کوبد به روی مرز و خاک  
عقریه بر روی ساعت تیک و تاک  
باز آوردند شهیدی بی پلاک  
شسته شد خاک وطن از خون پاک

غصه دارد هر دلی از این ستم  
چشم‌ها بارانی این داغ و غم  
می‌چکد ابیات نوحه از قلم  
می‌نویسد از شهادت بیش و کم

باز می‌جنگد عدو و اهرمن  
می‌کشد آلله‌های این وطن  
آمدم بی‌مدعا با روح و تن  
تا بمیرم بهر این خاک کهن

آمدم آماده گردم در نبرد  
خداشه اندازم به روی فصل زرد  
جان فدایت می‌کنم ای کوه درد  
تا شود دشمن از این آدینه طرد



جان من، ای آفتاب بی خزان  
می درخشد پرچمت در این جهان  
نام زیبای تو نور عمق جان  
تا زمان باقی ست پیروزی، بمان

## چهارپاره | مریم آقایی شوکی | مقاومت و حماسه

طوفان خستگی را کوبید و در نوردید  
آهنگ تنگی دل، بر باد کرد و رقصید  
تا نور سرخ خورشید با عاشقی درخشید  
چون برگ و بال پاییز از آتشی نترسید

این وقت پر هیاهو وقت تلاش و کار است  
وقت محبت و عشق در انتظار یار است  
در وادی شهادت وقت اذان و جار است  
باید زخواب برخاست چون وقت اقتدار است

ای میهنم من اینجا، چون یک سپر بر آنم  
تا پای جان بجنگم آماده این چنانم  
ایران تو آیه گشتی چون ذکر بر زبانم  
حک گشته پرچم تو در تار و پود جانم

ایران من، به شوق خون در ترانه جوشید  
بر دشمن ستمگر با هر صلاح خروشید  
آلاله‌ی شهادت مانند جامه پوشید  
در سردی جنایت تیر و تبر تراشید

## چهارپاره | فریده حیدری | مقاومت و حماسه

از راز و رمز هزار امّا  
درگوش کوچه صداها ما  
از بغض من به تو راهی هست  
تا دست‌های خدا... آیا!؟

پرچم نشسته به دستانش  
دل بسته بر لب ایمانش  
در آسمان خدا هر بار  
پیچیده نغمه‌ی قرآنش

با سرخی لب لبخندش  
در مشته‌های دماوندش  
هی سبز می‌شود از ماها  
گلبوته‌های پدافندش

این دست مایه‌ی ایمان است!  
از دسترنج شهیدان است!!  
تا هست حرف دل مردم  
درگوش‌های خیابان است...

چهارپاره | وحید دکامین | مقاومت و حماسه

گرچه از داغ و درد و دلتنگی  
گرچه از بغض، هر دلی می سوخت  
سرخ‌خونی خون به ظلم پیروز است  
کربلا این چنین به ما آموخت

سنگر امروز در خیابان‌هاست  
با بصیرت، کف خیابانیم  
همه در زیر بیرق الله  
سیل عشقیم که خروشانیم

پرچم سرخ یالثارات است  
این شکوه حماسه‌ی بعثت  
موج دلدادگی و خونخواهی‌ست،  
طیب الله از این همه غیرت

حرف تسلیم و صلح تحمیلی،  
حاصلش نیست کشوری آزاد  
از پس صبرها ظفر آید  
پایداری نتیجه خواهد داد

نصر اگر نصرت خداوند است  
عده و عده را شماره نکن  
حامی ماست ذوالفقار علی  
ناوها را مبین، نظاره نکن

هیبت ظاهری لشگر کفر  
به بزرگی حق که پوشالی ست  
مردک زورگـوی دیوانه  
طبل پُر سرصدا و توو خالی ست

هرچه فرمانده گفت امرِ مُطاع  
نبض این جنگ دست فرمانده ست  
دشمن از بُردِ فاتح و سجّیل،  
دشمن از عجز خویش درمانده ست

وقت پرهیز از اختلافات است  
حرف امروز، حرف دیروزی ست  
گفت، آقای شهید امّت ما:  
«همدلی» رمز و راز پیروزی ست

## چهارپاره | سمانه رحیمی | مقاومت و حماسه

بغض گلویم را فرو خوردم چهل روز  
هیّهات آگریک روز دشمن شاد باشم  
در مِشت‌های خود گره کردم غم را  
وقتش رسیده یک جهان فریاد باشم

آقای ما آقای مظلومان عالم  
طی کرد راه مکتب آزادگی را  
با علم و با حکمت سخن می‌گفت زیرا...  
آموخت عمری شیوه‌ی فرزاندگی را

عشق به میهن در وجودش شعله‌ور بود  
می‌گفت: «جسم ناقصی دارم، فدایش»  
می‌گفت: «اندک آبرویی» ... آه آقا  
در گوشمان می‌ماند آهنگ صدایش

فرمانده‌ی مردان میدان بود، عمری-  
با دشمنان از موضع قدرت سخن گفت  
«هیهات مِنَّا الدِّلَّة» تا روز شهادت-  
آقا فقط از سربلندی وطن گفت

خورشید چشمانش چراغ راهمان بود  
فصل الخطاب فتنه‌ها می‌شد کلامش  
دل بی‌قرار مه‌دی موعود می‌شد  
وقتی گره می‌خورد باران با سلامش

از قلّه‌ها می‌گفت، دشمن نعره می‌زد  
 زیرا که ایران قوی کابوس‌شان بود  
 دشمن به ایران جان‌مان چشم طمع داشت  
 مردانِ مردِ اُمّا، وطن ناموس‌شان بود

شیطان تعرض کرد با هر چه توان داشت  
 بر قلب و ذهن و روح ایران، حمله‌ور شد  
 با بمبِ اخبار دروغ و مکر و نیرنگ  
 آتش به باغ افتاد و جان‌ها پر شرر شد

جمعی فریب دشمنان را خورده بودند  
 تهمت زدند و دست وحدت را شکستند  
 یاری گرفتند از یزیدان زمانه  
 در انتظار حمله‌ی شیطان نشستند

از یاد بردند آنچه در یاد وطن بود  
 یک عمر ایثار و جهاد و خدمتش را  
 با دشمنان همسو شدند از روی کینه  
 منکر شدند حرمت‌شکن‌ها حرمتش را

آقای ما اُمّا دلش دریایی از مهر  
 بر مردمانش مهربان‌تر از پدر بود  
 هرگز نمی‌رنجید از زخم زبان‌ها  
 از مکر دشمن، مکر شیطان با خبر بود

پای وطن ماند و برای اعتقادش  
 همچون حسین بن علی با جان خطر کرد  
 با خون خود با کاروان اهل بیتش  
 نخل تنومند وطن را پر ثمر کرد

او رفت و با خونسش به ایران آبرو داد  
در سوگ او ایران نه، یک دنیا به پا خاست  
آزادگان عالم از او یاد کردند  
نام بلندش اعتبار و عزت ماست

شکر خدا در سایه‌سار لطف اویم  
از نسل او یک رهبر آزاده داریم  
در راه میهن سربلند و جانفداییم  
ما همچنان یک لشکر آماده داریم

اهل یک خونه ایم ما مردیم  
اسم این خونواده ایرانسه  
پای این خونواده جون می دیم  
تووی دستا سلاح ایمانه

اهل یک خونه ایم ما مردم  
توی سختی کنار هم هستیم  
با تمام وجود پیش همیم  
هر نفس هم قطار هم هستیم

اهل یک خونه ایم ما مردم  
سر یک سفره لقمه می گیریم  
رشته کوهیم، ما به هم وصلیم  
واسه هم جون می دیم، می میریم

اهل یک خونه ایم ما مردم  
رسم مونه فدای خاک شدن  
روی صورت خضاب خون کردن  
توی آتیش عشق پاک شدن

پشت درهای خونه مون امروز  
تو خلیجی که مهر مادر ماست  
چون که از اسم فارس می ترسن  
چنگ و دندون دشمننا پیداست



روضه‌ها مون به ما نشون داده  
پشت در وقتی دشمنان جمع  
مادرانه بریم توو میدون  
کم نذاریم توو جنون اصلاً

حرف از آتیش پشت در باشه  
همه چی شونو می‌زنیم آتیش  
چادر مادری نمی‌سوزه  
دل آقای ما نمی‌شه ریش

## چهارپاره | ندا نوروژی | مقاومت و حماسه

رسیدیم تا اوّل قلّه‌ها  
نه از پا بیفت و نه خاموش باش  
برادر تو میدون جنگی هنوز  
لباس عزا نه، کفن پوش باش

اونی که به بالا رسیده، تویی  
اونی که زمین می‌خوره، دشمنه  
نشون میده نورِ پدافندمون  
که آینده‌ی این وطن روشنه

نشون میده سجّیل، خاک وطن  
واسه هرکسی که نظر داره نیس  
که تقدیر این سرزمین هیچ‌وقت  
خیالی که صهیون تو سر داره نیس

نیازی به پایان این قصّه نیس  
همین اوّل ماجرا، باخته‌س  
رژیمی که سرتا سر باورش  
اسیر به تاریخ خودساخته‌س

نمی‌بینه آینده رو هیچ‌وقت  
نگاهی که سرگرم اوهام شد  
جهانو به کام همه تلخ کرد  
خودش اوّل قصّه ناکام شد

### ❏ چهارپاره | محمدرضا توانا | مقاومت و حماسه

آن که بر مُلک ما نظر دارد  
از حریفان خود خبر دارد؟  
شیعه‌ی مرتضی جگر دارد  
دل شیر و سر خطر دارد

### ❏ چهارپاره | وحید دکامین | مقاومت و حماسه

هرگز مباد آنکه به دشمن امان دهیم  
ما مانده ایم پای وطن تا که جان دهیم  
میعاد هر شب است خیابان و کوچه‌ها  
با مِشت خویش، غیرت  
خود را نشان دهیم

### ❏ چهارپاره | سمانه رحیمی | مقاومت و حماسه

وطن حکایت سرخِ دلِ شقایق‌هاست  
وطن اراده‌ی نستوه، در هجوم بلاست  
دلش به روشنی آفتاب سدره‌نشین  
نگاهش آیه‌ی آیین‌داری دریاست

### ❏ چهارپاره | حسین رضاییان | مقاومت و حماسه

راهی است کوتاه زندگی تا مرگ  
پایان نمی‌یابیم ما با مرگ  
ما را چنین بشناس ای دنیا  
«یا سرزمین مادری یا مرگ»

### ❖ چهارپاره | فاطمه نانی‌زاد | مقاومت و حماسه

باز هم شوریده سر، از جان بخوان  
با دلی سرشار از ایمان بخوان  
با صلابت، با حماسه، با شکوه  
با غرور و عشق «ای ایران» بخوان

### ❖ رباعی | محدّثه اسماعیلی | مقاومت و حماسه

این لالایی زمزمه‌ی یک پدر است  
در دستانش دوجفت سنجاق سراسر است  
ای اهریمن! قدمت لالایی او  
از قدمت کشور شما بیشتر است

### ❖ رباعی | سعید پورمحمد | مقاومت و حماسه

یا رب به علی و میثم تمارش  
یارب به حسین و تشنه‌لب انصارش  
هر کس که بد خامنه‌ای می‌خواهد  
امسال، بیا و از زمین بردارش

### ❖ رباعی | سعید پورمحمد | مقاومت و حماسه

از آل یهود تا ابد بیزارم  
بر دشمن دین لعن و نفرین دارم  
در جبهه مسلمین علیه باطل  
من شیعه حیدرم، پی پیکارم

▣ رباعی | سمانه خلفزاده | مقاومت و حماسه

ما قطره‌ی اشکیم که باران جاری‌ست  
ما در جَرّیانی‌م که ایران جاری‌ست  
این معجزه‌ی بعثت مردم شده است:  
میدان شده هم‌قدم، خیابان جاری‌ست

▣ رباعی | سمانه خلفزاده | مقاومت و حماسه

ما لحظه به لحظه مرد میدان هستیم  
سجّیل و عماد و فتح، طوفان هستیم  
تا صبح ظهور جان به کف می‌مانیم  
هر شب هر شب، شمع خیابان هستیم

▣ رباعی | عارفه دهقانی | مقاومت و حماسه

این خاک، تن است و جان ایران، مردم!  
هستند مبارزان میدان، مردم!  
با فتح و توّسل و دعا و صلوات  
مبعوث شدند در خیابان، مردم!

▣ رباعی | عارفه دهقانی | مقاومت و حماسه

هر شب با شوق، در خیابان هستیم  
رزقی‌ست که مدیون شهیدان هستیم  
چادر به سر و پرچم ایران بر دوش!  
ما دختر جانفدای ایران هستیم

### ❗ رباعی | عارفه دهقانی | مقاومت و حماسه

دل‌ها همه در تعالی و تحویل است  
معراج تو، خار چشم اسرائیل است  
بال و پر پرواز تو که چادر توست،  
در معرکه، مثل موشک سجّیل است

### ❗ رباعی | عارفه دهقانی | مقاومت و حماسه

من، دختترم و فداییی ایرانم  
تا جان دارم، پای وطن، می‌مانم  
تا کور شود دشمنم، از این لحظه  
با حفظ حجابم وسط میدانم

### ❗ رباعی | عارفه دهقانی | مقاومت و حماسه

یک دست به پرچم است و یک دست، دعا  
دیدید...؟! علمدار شدم از حالا  
هرچند که کوچکم...! ولی می‌خوانم:  
«عَجَّلْ لِوَلِيِّكَ الْفَرَجَ» یا مولا...!

### ❗ رباعی | وحید دکامین | مقاومت و حماسه

ای هر دل آزاده به همراهی تو  
روشن شده از چراغ آگاهی تو  
هرگز نشود داغ تو در دل‌ها سرد  
پایان مسیر ماست، خونخواهی تو

▣ **رباعی** | سمانه رحیمی | مقاومت و حماسه

ما وارث اشک‌های عاشوراییم  
امواج پر از تلاطم دریاییم  
با نعره شیطان نهراسیم که ما ...  
از منتظران مهدی زهراییم

▣ **رباعی** | فرزانه قربانی | مقاومت و حماسه

در معرکه‌ها سرو رشیدی هستی  
با نام خدا چه روسپیدی هستی  
در سینه‌ی خود داغ فراوان داری  
هر روز کفن‌پوش شهیدی هستی

▣ **رباعی** | فرزانه قربانی | مقاومت و حماسه

امروز سردشمن ما پایین است  
والله که پیروزی حق شیرین است  
از سختی انتقام ما فهمیدند  
آن وعده‌ی صادقی که گفتیم این است

▣ **رباعی** | فرزانه قربانی | مقاومت و حماسه

یا لاشه شود یا به زمین می‌افتد  
می‌سوزد و یکجا به زمین می‌افتد  
جنگنده‌ی فوق‌پیشرفته وقتی  
با برنوی لرها به زمین می‌افتد

### ❗ رباعی | فرزانه قربانی | مقاومت و حماسه

چون شیر میان بیشه‌ی پیکاریم  
ما در سر خود شوق شهادت داریم  
از دشمن خود باک نداریم اصلاً  
ما نسل «اَشْدَاءُ عَلَی الْکُفَّارِیْم»

### ❗ رباعی | فرزانه قربانی | مقاومت و حماسه

تا بمب به روی چلچله می‌افتد  
خونخوار به فکر هلله می‌افتد  
دنبال سفیدی گلو می‌گردد  
تیری که به دست حرمله می‌افتد

### ❗ رباعی | مهدی کبیری | مقاومت و حماسه

در معرکه جان ما به قربان علی  
هستیم همه گوش به فرمان علی  
تا روز ظهور پرچمش می‌ماند  
جمهوری اسلامی ایران علی

### ❗ رباعی | مهدی کبیری | مقاومت و حماسه

ای قاتل کودکان حریفت ماییم  
الگوی تمام مردم دنیا ییم  
اینست فراخوان مریدان علی  
تا روز ظهور در خیابان‌هاییم

▣ **رباعی** | مهدی کبیری | مقاومت و حماسه

با این همه حادثه پشیمان نشدند  
بیزارِ ستم های فراوان نشدند  
آنانکه به مرگ گریه زاری کردند  
از مقتل میناب پریشان نشدند

▣ **رباعی** | مهدی کبیری | مقاومت و حماسه

هستیم پریشان و پشیمان هرگز  
ما را غم دین هست، غم نان هرگز  
با دشمن توبه‌کار سازش، شاید  
با فتنه‌گران و فتنه سازان هرگز

▣ **رباعی** | مهدی کبیری | مقاومت و حماسه

دیدیم که او از ابتدا می‌آید  
با برگه‌ی ثبت جان فدا می‌آید  
از سفره‌ی انقلاب سهمش هیچ است  
آن پیرزنی که با عصا می‌آید

▣ **رباعی** | علی محلوجی | مقاومت و حماسه

با موشک و بمب و حمله پهپادی  
پا پس نکشد یک دهه‌ی هشتادی  
روزی برسد چیده شود سانتریفیوژ  
در فاصله شریف\* تا آزادی

### ❗ رباعی | سمیه مؤمنی | مقاومت و حماسه

در ظلمت کفر، نور ایمان هستیم  
همسایه‌ی ابر، موج طوفان هستیم  
تکلیف، جهاد است، بدانند همه  
تا وقت نیاز در خیابان هستیم

### ❗ رباعی | سمیه مؤمنی | مقاومت و حماسه

آقای شهید، شمع جمع شهادت  
ایران عزیز بعد او پابرجاست  
توحید در آن است بدانند همه  
فرماندهی جنگ فقط دست خداست

### ❗ رباعی | سمیه مؤمنی | مقاومت و حماسه

مرهم به دل زخمی‌مان می‌آید  
وقتی که ندا از آسمان، می‌آید  
آقای شهیدمان به روز رجعت  
بالشکر صاحب‌الزمان می‌آید

### ❗ رباعی | فاطمه نانی‌زاد | مقاومت و حماسه

هر نبض من است مرگ بر اسرائیل  
حرف وطن است مرگ بر اسرائیل  
نابودی او به دست‌های من و توست  
خیبرشکن است مرگ بر اسرائیل

▣ **رباعی** | فاطمه نانی‌زاد | مقاومت و حماسه

او را همه وقت مرد میدان دیدیم  
در معرکه پیروز و رجزخوان دیدیم  
ابعاد صلابت امام خود را  
در مشت گره کرده‌ی ایشان دیدیم

▣ **رباعی** | فاطمه نانی‌زاد | مقاومت و حماسه

دردانه‌ی عصر انتظارند همه  
منظومه‌ی عشق و افتخارند همه  
تابوت به تابوت حماسه هستند  
اینان که شهید اقتدارند همه

▣ **رباعی** | فاطمه نانی‌زاد | مقاومت و حماسه

با آینده‌ها دوباره پیمان بستیم  
در حفظ وطن یکی شده، یک دستیم  
باید که خبر به کل عالم برسد:  
«در بیعت لاله‌ها همیشه هستیم»

▣ **رباعی** | فاطمه نانی‌زاد | مقاومت و حماسه

این کشور نستوه که ما را جان است  
کانون دلاوران با ایمان است  
تردید نمی‌کنیم، باور داریم  
پیروز بزرگ این نبرد ایران است

❗ **رباعی** | فاطمه نانی‌زاد | مقاومت و حماسه

سرحلقه‌ی فتنه است و شر، آمریکا  
باید که شود شکسته‌تر، آمریکا  
چون موشک و پهپاد عمل خواهد کرد  
فریاد بلند مرگ بر آمریکا

❗ **رباعی** | فاطمه نانی‌زاد | مقاومت و حماسه

کوبید به طبل جنگ اگر آمریکا  
بوده‌ست همیشه، فتنه، شر، آمریکا  
با مشت گره کرده، رساتر از پیش  
فریاد بزن که: «مرگ بر آمریکا»

❗ **رباعی** | فاطمه نانی‌زاد | مقاومت و حماسه

این شعله برای دشمنان جانسوز است  
هنگام شکست اهرمن امروز است  
با خصم بگو که سعی بیهوده مکن  
ایران حسین بن علی پیروز است

❗ **رباعی** | فاطمه نانی‌زاد | مقاومت و حماسه

والله که ما عیار طوفان هستیم  
در معرکه‌ی شرف، رجزخوان هستیم  
سردار پیام‌تان رسیده‌ست به ما  
تکبیر به لب در دل میدان هستیم

▣ رباعی | فاطمه نانی‌زاد | مقاومت و حماسه

برخیز و بیا کمان چو آرش بکشیم  
شمشیر به روی قوم سرکش بکشیم  
در این شبِ چارشنبه‌سوری باید  
تصویرِ ترامپ را به آتش بکشیم

▣ رباعی | حجت وطن‌دوست | مقاومت و حماسه

گویا که زمان زمان عام الفیل است  
بر قوم یهود صور اسرافیل است  
این عشق حسین است که بی‌شک امروز  
خود موشک نابودی اسرائیل است

▣ رباعی | حجت وطن‌دوست | مقاومت و حماسه

یک تیم شجاع و هم نفس بس داریم  
بازی به مصاف تیم کرکس داریم  
صد خط تهاجمی وحشی دارند  
یک خط دفاعی مقدس داریم

▣ رباعی | حجت وطن‌دوست | مقاومت و حماسه

حجت که شود تمام برمی‌گردد  
با سیلی انتقام برمی‌گردد  
با مادر هر شهید گمنام بگو  
فرزند تو با امام برمی‌گردد

## ❖ رباعی | حجت وطن دوست | مقاومت و حماسه

امروز اگر خروج سفیانی هاست  
دنیا که پر از شرار شیطانی هاست  
این خاک خودش که خسف بیداء دارد  
پایان شما دست خراسانی هاست

## ❖ رباعی پیوسته | محسن بصیری راد | مقاومت و حماسه

باید که ستاره‌های افلاک شویم  
با ذکر علی علی پاک شویم  
ای کاش برای جمع ما بنویسند  
یک گوشه از ایوان نجف خاک شویم

با حس غرور، حیدری باید بود  
آماده فتح خیبری باید بود  
تا لحظه مرگ تا دم جان دادن  
سرباز امام و رهبری باید بود

بردار علم را و علمداری کن  
برخیز و امام خویش را یاری کن  
با هر چه که می‌شود بیا در میدان  
با هر چه که می‌شود بیا کاری کن

بالشکری از صف شکنانش آمد  
با کودک و پیر و نوجوانش آمد  
تا ریشه کفر را ز جایش بکند  
این بار علی با پسرانش آمد

در راه عروج تا خداییم همه  
گردان علی مرتضاییم همه  
حالا که علی رفته نفس تازه کند  
سرباز سپاه مجتبیایم همه

هیئات اگر معرکه خالی بشود  
بازیچه دست لابلای بشود  
باید جلوی چشم تمام دنیا  
این خوک کثیف خاک‌مالی بشود

از غیرت مردانسه میدان بنویس  
از شور و شعور در خیابان بنویس  
کابوس شبِ یهودی صهیون را  
جمهوری اسلامی ایران بنویس

فرمایش رهبر است پا پس نکشیم  
امنیت کشور است پا پس نکشیم  
دارد همه‌ی کفر به هم می‌ریزد  
این ضربه آخر است پا پس نکشیم

در سختی روزگار علی می‌گوییم  
 هنگامه‌ی کارزار علی می‌گوییم  
 هنگام مصاف با ایادیِ یهود  
 با نعره ذوالفقار علی می‌گوییم

بیهوده نیا و باز نیرنگ مکن  
 میدان نبرد را به خود تنگ مکن  
 زیر ضربات مالگدکوب شوی  
 با شیعه مرتضی علی جنگ مکن

آن حسرت روزگار ما خامنه‌ای ست  
 آن بنده مخلص خدا خامنه‌ای ست  
 کوری سگ زرد و ایادیش هنوز  
 فرماندهی کل قوا خامنه‌ای ست

با نعره حیدری رجزخوان شده‌ایم  
 در معرکه‌ها سیل خروشان شده‌ایم  
 ما پیرو امر رهبری، این شب‌ها  
 مشغول نبرد در خیابان شده‌ایم

ما تحت اوامر ولی، یکدستیم  
 عهدی ابدی با شهدامان بستیم  
 یک لحظه هم از جهاد پا پس نکشیم  
 تا لحظه فتح در خیابان هستیم

بنویس که این سیل خروشان باقی ست  
راه و هدف پیر خراسان باقی ست  
تا کور شود هر آنکه نتواند دید  
جمهوری اسلامی ایران باقی ست

کابوس سپاه ابرهه سَجَّیل است  
هنگام عبور قوم ما از نیل است  
آن وعده‌ی شیرین خدا در قرآن  
والله که نابودی اسرائیل است



هایکو | فاطمه پوررضایی مهرآبادی | مقاومت و حماسه

عرصه را جور دیگری بنگر!  
با وجودی که مایه‌ی رنج است  
جنگ را زیر و رو کنی گنج است

هایکو | راضیه جبه‌داری | مقاومت و حماسه

دست‌های ما به روی ماشه است  
ما برای صلح، جنگ می‌کنیم  
سجده بر تفنگ می‌کنیم

# بيعت

## ■ مثنوی | نفیسه کاکایی | بیعت

ای از تبار پاک حسین، ای امام عشق  
 داده صلابتت به دل ما مرام عشق  
 ققنوس را تو بار دگر داده‌ای حیات  
 جامع تویی تو رهبر من از همه جهات  
 در عصر غیبتی تو جلو دار قافله  
 بین شما و امت‌تان، نیست فاصله  
 ما چون یتیم مهدی و ما را تویی پدر  
 ای مرهم نبودن آن غایب از نظر  
 باشد اطاعت تو اطاعت از آن امام  
 فرمانده، با اشاره‌ات امت کند قیام  
 خورشید ره شدی که نمآند دگر شبی  
 آیین‌های ولایت و سردار مکتبی  
 مشروعیت تو داده‌ای آقا بر این نظام  
 حکم تو کار نیمه‌ی امت، کند تمام  
 تسبیح مملکت، به نخ توست، گرد هم  
 از عشق توست پرچم این اتحاد، غلم  
 با آن کلام محکم و پر حکمت، حکیم  
 بر قلب دشمنان، تو نشاندی هراس و بیم  
 از ترس توست دشمن خونخوار، مثل موش  
 ملت کند به اذن تو بر دشمنان، خروش  
 ای ناخدای کشتی بی‌تاب سرزمین  
 ما را گذر تو دادی از امواج سهمگین

این کشور از معادن و دریا بود غنی  
اما تو گنج اصلی این کوی و برزنی  
دور از وجود آنورتان باد هر بلا  
ملت، برای حفظ شما هست، جانفدا  
هم جانفدای رهبر و هم حافظ وطن  
شد پرچم سه رنگ وطن، بهر ما کفن

## مربع ترکیب | محدثه اسماعیلی | بیعت

مرغ سحر باز غزل‌خوان شده  
 ماه شب تار نمایان شده  
 دشت و دمن باز گل‌افشان شده  
 ملت ماگوش به فرمان شده  
 بشنو که از عرش خبر آمده  
 آینه‌گردان پدر آمده  
 مژده به هر گوشه‌ی عالم ببر  
 ظلمت شب رفته و آمد سحر  
 بت‌شکنی آمده بار دگر  
 ظالم و مظلوم! ببینید بر...  
 هیمنه‌ی بعل تبر آمده  
 آینه‌گردان پدر آمده  
 عالمیان رشک به ما می‌برند  
 خوش قدم است او که بدل می‌شوند...  
 تلخی ایام به حلوای قند  
 نیست امیری که چنین بی‌گزند  
 شمس نسب، نیک گوهر آمده  
 آینه‌گردان پدر آمده  
 دست خداوند عیان می‌شود  
 خامنه‌ای باز جوان می‌شود  
 آنچه خدا گفته همان می‌شود  
 ملت ما سرز جهان می‌شود  
 مژده بده هجر به سر آمده  
 آینه‌گردان پدر آمده

### چهارپاره | فاطمه نانی‌زاد | بیعت

نقشه‌ی دشمن شده نقش بر آب  
از شکوه و شوکت این انتخاب  
گرچه دلتنگیم اما بعد از این  
بوی گل را از که جوییم از گلاب

### رباعی | سمانه خلف‌زاده | بیعت

با جذبه‌ی روی عشق، دل‌داده شدیم  
چون سرو، در این مسیر، آزاده شدیم  
از لشکر شب نیست هراسی، هرگز...  
ما همسفرِ ماه در این جاده شدیم

### رباعی | فاطمه نانی‌زاد | بیعت

ای قامت تو مثل پدر سرو رشید  
از روشنی آینه‌ها صبح دمید  
این بیعت ما به چشم دنیا آمد  
«تا کور شود هر آن که نتواند دید»



# تصانیف



## زمینه | سید مسعود احمدی

رفتی و از دوری تو چه بی قراریم  
مثل ابر بارونی دائم می باریم  
رفتی ندیدی اشک چشم بچه هاتو  
تو رو به دستای رقیه می سپاریم  
به ما یاد دادی  
غم اول و آخر زندگی حسین باشه  
به ما یاد دادی  
چراغ مسیر و ره بندگی حسین باشه  
به ما یاد دادی  
که آقای ما از همون بچگی حسین باشه  
با لب تشنه آقا کردن شهیدت  
آخرشم اینجوری شد امام حسین خریدت  
این علم پا برجاس  
تا خون تو رگ های ماس  
ندای کل ایران  
علی علی یا مولا  
به اذن مولا حیدر  
و انتقام رهبر  
کفن به تن می پوشیم  
برای فتح خیبر

زمینه | سید مسعود احمدی

دیدار به قیامت

ای رهبر فرزانه و رشید قامت

دیدار به قیامت

دل کندی از دنیا رفتی، به سلامت

دیدار به قیامت

تو زندگی اسم حسین بوده کلامت

ای رهبر شهید

مثل شاه عطشان، پیکرت توی خون تپید

لحظه‌های آخر ارباب پیش تو رسید

پرکشیدی رفتی و حالا قد ما خمید

آخرین توسلت، یا الله

روی لب‌ت آیه‌ی اِنَّا لِلّٰهِ

می‌خونی از عمق وجودت آقا

جونم فدای حضرت ثارالله

## زمینه | حسین رضاییان

### بند اول:

عجیبه، برام که بعد از این خبر  
نمردم، چه جوری شب تا به سحر  
با حسرت، نیگا کنم با چشم تر  
به عکس تو

همه وجودم می سوزه

بود و نبودم می سوزه

چقد غریبانه رفتی

شعر و سرودم می سوزه

کجایی ای قرار بی قرارم

کجا رفتی امام روزه دارم

دلم خونه، چه جور آروم بمونم

چه جوری از نبودت شعر بخونم

بند دوم:

رسیدی، به آرزوت بی ادعا  
شهادت، مبارکت باشه آقا  
می دونیم، الان کنار شهدا  
حالت خوبه

دردم مداوا نمیشه  
داغ تو حاشا نمیشه  
بگردیم عالم رو اما  
مثل تو پیدا نمیشه

تا زندهم از فراق تو می بارم  
خزون شد بی تو هر فصل بهارم

امید انتقام من کجایی  
«سحرخیز مدینه کی می آیی؟»

## زمینه | حسین رضاییان

چگونه با غمت بسازم  
که داغ تو بسی بزرگ است  
که نام تو شکوه ایمان  
حماسه‌های تو سترگ است

دل‌م به خون نشسته از غم  
برای داغ سر به داران  
برای لحظه‌ی عروجت  
الا امام روزه‌داران

ای رهبر شهیدم  
راهت ادامه دارد  
حتی اگر در این راه  
بر ما شرر ببارد

ای خاک پر غرورم  
ایران سر به داران  
پاینده نام پاکت  
پاینده تا بهاران

همیشه در مقابل ظلم  
بایستد دل مطهر  
مقابل تو ایستادیم  
به امر مقتدا و رهبر

سپاه صاحب‌الزمان را  
هراسی از سپاه شب نیست  
گواه ما ظهور یار است  
جهان مگر به تاب و تب نیست

## زمینه | محمدجواد قدرتی

### بند اول:

غمیگن و محزونم  
هر شب توی میدون شهر  
من از فراق تو روضه می خونم

من زیر بارونم  
با یاد تو ای رهبرم  
چهل شبه توی خیابونم

غم تو هرگز یادم نمیره  
دل شکسته‌م به غم اسیره  
عکساتو دیدم هر جای این شهر  
می شکنه بغضم بگیرم می گیره  
ای جان ایران، خدانگهدار

### بند دوم:

ای رهبر مظلوم  
خون تو جان تازه‌ای  
داده به این مردم با عزت

ای رهبر مظلوم  
یادم نمیره لحظه‌ای  
شکوه مشت گره کرده‌ات

از تو گرفتیم درس شجاعت  
درس حماسه، درس شهامت  
ما ترسی از مرگ هرگز نداریم  
چون آخر کار باشه شهادت

بند سوم:

لبریز بارونم  
شہید ماہِ رمضون  
از تشنگی تو پریشونم  
امّا به یاد آن  
تشنہ لبِ کرب و بلا  
به نیت تو روضہ می خونم  
زخمی و بی حال، غریبِ گودال  
میون خون، عزیزِ زہرا  
ای پارہ پیکر، جسم تو بی سر  
رها شد آخر، به روی خاکا  
حسینِ مظلوم، حسینِ مظلوم

## جزا پوریا باقری

## بند اول:

من ایرانی‌ام  
 من ایرانی‌ام  
 من اهوازی‌ام، گیلکم، کرد و لر، یا که نهرانی‌ام  
 بلوچ، آذری، ترکمن، یا خراسانی‌ام  
 ز هر جای این خاک باشم، من ایرانی‌ام  
 شرف دارم  
 هدف دارم  
 مدد از امیر نجف دارم  
 ببین این همه، هموطن، جان به کف دارم  
 که اجدادشان یک به یک مرد پیکار  
 به شانه کشیدند غم‌های بسیار  
 همه خاک پای علمدار  
 چنان کوه محکم به ایام دشوار  
 صلابت، ابهت، رشادت، شهادت  
 همین است تنها راه سعادت  
 همه پای کار ولایت  
 همه کوه ایمان و غیرت  
 که فریادشان گشته هیاهات دلت  
 الا ای یهودان  
 اسیر و اجیر و خدنگ قدیمی شیطان  
 برو دور شو، دور شو، از حریم دلیران  
 از این خاک ایران  
 از این مملکت که سپرده دلش را به شاه خراسان

دگر یاوه گفتن فراموش کن  
رجزهای این قوم را گوش کن  
زدی ضربتی، ضربتی نوش کن

### بند دوم:

من ایرانی‌ام  
من ایرانی‌ام  
غلام غلامان آن نسل نورانی‌ام  
سراسر امیدم، به دنبال آیات قرآنی‌ام  
که وعده به ما داده نصرت فرا می‌رسد  
ز دست خدا می‌رسد  
یقین راه ما منشاء و مقصدش از دل کربلا می‌رسد  
بیاپید ای اهل دنیا  
بیاپید اگر فکر آزادی می‌کنید  
اگر با امید رهایی از این روزها زندگی می‌کنید  
بیاپید این ضربه‌ی آخر است  
به زودی جهان شاهد عرصه‌ای دیگر است  
رجزهای ما یا علی یا علی حیدر است  
دگر یاوه گفتن فراموش کن  
رجزهای این قوم را گوش کن  
زدی ضربتی، ضربتی نوش کن

## رجز | پوریا باقری

### بند اول:

بارون نیومد  
استغاثه کردیم خدا بارون فرستاد  
فتنه پیا شد  
خیابونو پر کردیم، فتنه ورافتاد

وقتی میشه با همدیگه  
هر ظلمتی رو نور کنیم  
چه خوبه این شبا باهم  
دعا برا ظهور کنیم

وقتی میشه کنار هم  
از سختی ها عبور کنیم  
چه خوبه این شبا باهم  
دعا برا ظهور کنیم

الهی بحق زینب  
بر گوش جهان این دعا را برسان  
یا رب فرج امام ما را برسان  
بر یاری ما نور خدا را برسان  
یا رب فرج امام ما را برسان  
آن منتقم کرب و بلا را برسان  
یا رب فرج امام ما را برسان  
پایان تمام غصه ها را برسان  
یا رب فرج امام ما را برسان

بند دوم:

تو هر بلایی  
به حضرت زهرا تو سل کرد دل ما  
آتیش زیاد بود  
ولی نشد آتیش بگیریه حاصل ما

حالا بیاید باهم دیگه  
سختیا رو مرور کنیم  
با همه‌ی وجودمون  
دعا برا ظهور کنیم

تو سختیا یادی ام از  
عمه‌ی دل‌صبور کنیم  
با همه‌ی وجودمون  
دعا برا ظهور کنیم

الهی بحق زینب  
بر گوش جهان این دعا را برسان  
یا رب فرج امام ما را برسان  
بر یاری ما نور خدا را برسان  
یا رب فرج امام ما را برسان  
آن منتقم کرب و بلا را برسان  
یا رب فرج امام ما را برسان  
پایان تمام غصه‌ها را برسان  
یا رب فرج امام ما را برسان

**بند اول:**

برخیز و علم بردار / هنگامه پیکار است  
فرماندهی میدان / با حیدر کرار است  
سرباز سرافراز / گردان ابالفضلیم  
ما همه تحت امر و / فرمان ابالفضلیم  
حیدر حیدر حیدر / خیبر خیبر یا صهیون

**بند دوم:**

هر کس به کسی نازد / ما هم به علی نازیم  
با نعره یا حیدر / در معرکه می نازیم  
پیروزی این میدان / والله از آن ماست  
وقتی دم این مردم / یا فاطمة الزهراست  
حیدر حیدر حیدر / خیبر خیبر یا صهیون

**بند سوم:**

دستان یداللهی / به یاری نوح آمد  
از غیرت این مردم / دشمن به ستوه آمد  
مردانه و جانانه / پای علم ایستادیم  
ایران حرم ما و / دور حرم ایستادیم  
حیدر حیدر حیدر / خیبر خیبر یا صهیون



بند چهارم:

موسای کلیم ما / رد شده از رود نیل  
می رود این قصه / تا نابودی اسرائیل  
باید که سرانجامه / این مرحله نور باشد  
والله که پایان / این قصه ظهور باشد  
حیدر حیدر حیدر حیدر خیر خیر یا صهیون

**بند اول:**

شب طوفان اومده / سیل خروشان اومده  
شیعه شاه نجف / لشکر ایران اومده  
ملت ایران یکسر / متحدن تا آخر  
دنیا مارو می شناسه / با دم حیدر حیدر  
جان حیدر / سنه قربان حیدر / حضرت جانان حیدر  
جان حیدر / دم طوفان حیدر / فاتح میدان حیدر  
یا حیدر علی علی یا حیدر

**بند دوم:**

بیا سجّیل و ببین / ترس از ابابیل و ببین  
دم موسی رو ببین / رد شدن از نیل و ببین  
هیبت طوفان ایران / مهد دلیران ایران  
سردر عالم حک شد / خطّه شیران ایران  
جان ایران / سنه قربان ایران / ملک سلیمان ایران  
جان ایران / بگو ایران ایران / فاتح دوران ایران  
یا حیدر علی علی حیدر

**بند سوم:**

آخر قّصه ما / قطره به دریا میرسه  
یه روز از همین روزا / مهدی زهرا میرسه  
لشکر قدس آماده / قرعه به ما افتاده  
پرچم و آقا دست / مردم ایران داده

جان مهدی / سنه قربان مهدی / رهبر ایران مهدی  
جان مهدی / همه ایمان مهدی / حضرت جانان مهدی



## رجز سعید پورمحمد

با نام یا علی / در سایه‌ی ولی  
همدل صدا زنیم / با نغمه جلی  
مرگ بر اسرائیل... مرگ بر آمریکا

با نام یا حسین / با عشق و شور و شین  
فریاد ما بُود / در کل عالمین  
مرگ بر اسرائیل... مرگ بر آمریکا

یا صاحب الزمان / اَلْعَوْتُ و اَلْأَمَان  
این ذکر ما بود / از جور این زمان  
مرگ بر اسرائیل... مرگ بر آمریکا

ای دشمن خدا / ای خصم بی حیا  
در بغض سینه‌ها / هست این شعار ما  
مرگ بر اسرائیل... مرگ بر آمریکا

## رجز | سجاد توکلی

### بند اول:

مشتا گره کرده بالا بالا  
ایران قهرمان والا والا  
رقص پرچم زیر بارون و ببین  
موج مردم تو خیابون و ببین  
مردن پایان نه، ابتدای ماست  
فریاد حماسی خون و ببین  
تا پای جان، برای ایران  
این جون ناقابل، فدای ایران  
اینجا ایران، بیشه شیرانه  
صاحب کشور ما، امام رضا جان

### بند دوم:

مشتا گره کرده بالا بالا  
ایران قهرمانه والا والا  
شیر قرآن توی میدون ببین  
دشمن دشمن هراسون ببین  
این وعده وعده‌ی صادق خداست  
موشک موشک سر صهیون و ببین  
با این رهبر، با یا حیدر  
پیروز میدانیم، الله اکبر  
اول ایران، مهد دلیرانه  
میون صحنه جنگ، فاتح میدان

## ❏ رجز | خسرو جولافیان

تو جبهه‌ی خیابون  
 ما لانچرِ شعاریم  
 ما جهان پهلوان و  
 آتیش به اختیاریم  
 آی دشمن سیاه‌بخت!  
 با تو سازش نداریم  
 بترس از اون روزی که  
 صدمون رو بناریم

نابودیِ صهیون  
 کاریه کارستون  
 وقت میون‌داری سَجَّیله  
 ما شمارش معکوسیم  
 فریادِ ناقوسیم  
 وقتِ سلاخیِ اسرایله

ایران ایران حیدر حیدر  
 ما زلزال و فیل  
 قرآن یعنی دست برتر  
 طیرا ابابیل  
 الله‌اکبر الله‌اکبر  
 مرگ بر اسراییل

پیروزیم به باری حق خستگی ممنوع بگومگو ممنوع  
 وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ، وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ لَا تَفَرَّقُوا

غیرت غیرت غیرت  
 تو محوری از جنون  
 وحدت وحدت وحدت  
 أُنْهَا الْمُسْلِمُونَ



بیا به نام علی کار حماسی کن  
بیا خیابونو با قدمت ظلم و دشمن و آسی کن

عالم نذر  
هجا هجای ایران  
تحت امر  
امام رضای ایران

## جزا | حسین رضاییان

## بند اول:

این صدای غرش سجّیله  
 بغض مقدس غم هابیله  
 رسانه‌ها همه اینو خبر بدید  
 زمان نابودی اسرائیله

موعد فتح خیبر رسیده  
 رنگ رخسار صهیون پریده  
 کارتون تمومه با فوج ابابیل  
 که مرتضی ذوالفقارشو کشیده

أَسْأَلُ اللَّهَ الْغَالِبَ مَدَدِي  
 عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ مَدَدِي  
 سرمون خم نمی‌شه چی فک می‌کنی  
 نوش جونت کلاهِک‌های یه تُنی

آمریکا اسرائیل خیبر خیبر  
 ذکر لب پیر و جوون حیدر حیدر

## بند دوم:

یک طرف تموم کفر وایساده  
 این طرف سپاه حق آماده  
 ما هنوزم با تو هم‌پیمانیم  
 آماده‌ایم ای رهبر آزاده

شیعه قلبش تو جوش و خروشه  
 این یهوده که همیشه روبروشه  
 لعنت خدا به هرزه‌های مزدور  
 روسپاهه هر کی که وطن‌فروشه

پرچم خون رنگ به روی حرم  
تا دم مرگ همیشه سایه‌ش رو سرم  
خدا هیشکی رو منته تو رسوا نکرد  
چرا قایم شدی تو لونه‌ت سگ زرد  
ما به خونخواهی رهبر می‌مونیم  
تو خیابون پای کشور می‌مونیم  
فکر سازش نباشه تو سر احدی  
ما سپاه حیدریم یا حیدر، مددی  
انتقام آقا رو می‌گیریم  
ایستاده واسه ایران می‌میرم  
آمریکا اسرائیل خیبر خیبر  
ذکر لب پیر و جوون حیدر حیدر

## رجز | حسین سامانی پور

### بند اول:

خاک لاله‌خیز داره کشورم  
سینه‌ی لبریز داره کشورم  
تشنه‌ای کارون داره واسه تو  
تب کنی تبریز داره کشورم  
چپ نگا کنه کسی / به خاک این وطن / ازش نمی‌گذرم  
ناسلامتی منم / به اذن مادرم / بچه شیر حیدرم  
با مدد امام رضا / صداشو می‌برم  
حرف از خاک ایران باشه / من سر تا پا ایران می‌شم  
هرچی هستم، پاش بیفته / رستم می‌شم، سلمان می‌شم

### بند دوم:

میرزا کوچک خان، ریشه‌ی منه  
غیرت گیالان، ریشه‌ی منه  
زاهدم من از، خاک زاهدان  
پرچم ایران، ریشه‌ی منه  
من همه هویتم / سه رنگ پرچمه / که توی قلبمه  
آخرش مسلّمه / که پرچم خدا / به دست رهبرمه  
می رسه تو دستای / امید فاطمه  
حرف از خاک ایران باشه / من سر تا پا ایران می‌شم  
هرچی هستم، پاش بیفته / رستم می‌شم، سلمان می‌شم

**بند اول:**

همراه تو ای وطن / می‌رویم / رو به نور  
ایران قوی‌تر از قبل / مصمم / تا ظهور  
در چنگ گورند / فرعون و نمرود  
اما تو جاری / مانند یک رود

تو بمانی به فضل خدا  
وطنم! وطنم! وطنم!  
پرچمت بر سر قلّه‌ها  
وطنم! وطنم! وطنم!  
یادگار همه شهدا! وطنم! وطنم!

**بند دوم:**

چیزی نمانده از راه / با تواییم / جان فدا  
نزدیک قلّه‌هاییم / مقتدر / یک صدا  
تحت لوای / شاه خراسان  
پابنده اسلام / جاوید ایران  
به فدای تو جان و تنم  
وطنم! وطنم! وطنم!  
با غرور صدایت می‌زنم  
وطنم! وطنم! وطنم!  
تو امید و ره روشنم! وطنم! وطنم!

## بخش | زینب عزیزپور

### بند اول:

قسم به خون پاکت ای ذبح عظیم!  
 به کل آیه‌های قرآن کریم!  
 اگر چه رفته‌ای امام ما ولی  
 راهت را / ادامه می‌دهیم (۲)

می‌مانیم / پای اعتقاد و دین‌مان  
 می‌مانیم / پای باور و یقین‌مان  
 می‌مانیم / پای سرزمین‌مان

ایران بشود دوباره ویران؟! هرگز!!  
 کشور برسد دست دیگران؟! هرگز!!  
 ما و سلطه‌ی یزید دوران؟! هرگز!!

بِسْمِ اللَّهِ فَاصِمِ الْجَبَّارِ  
 الْمَوْتُ أَوْلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ  
 زمزمه‌ی همیشگی سردار:  
 الْمَوْتُ أَوْلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ

بند دوم:

قسم به جان تو که ثابت قدمیم  
برای یاری وطن هم قسمیم  
نمی روی لحظه‌ای از خاطر ما  
راحت را / ادامه می‌دهیم (۲)

می‌مانیم / پای غیرت و غرورمان  
می‌مانیم / پای مردم غیورمان  
می‌مانیم / پای انقلاب نورمان

ما و ترسی از عرش طوفان؟! هرگز!!  
باچی بدهیم ما به اینان؟! هرگز!!  
حتی وجبی ز خاک ایران؟! هرگز!!

آموختیم از سیدالاحراز:  
الْمَوْتُ أُولَىٰ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ  
ذکر ما حتی به روی دار:  
الْمَوْتُ أُولَىٰ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ

## ❏ رجز | محمدجواد قدرتی

## بند اول:

فرماندهی این میدان شما مردم با غیرت  
 که تو دل ندارید آرزویی غیر از شهادت  
 ایرانی بمیره هم نمیره زیر بار ذلت  
 هَیْهَاتِ مِنَّا الذِّلَّةُ (۳)

سر خم نکردیم لحظه‌ای، برابر اهریمن  
 ما آیه‌های فتحیم، مقابل هر دشمن  
 مشت گره کرده‌ت رو، بالا بیار هموطن  
 بلند بگو بشنوه دنیا / الموت لأمریکا  
 شعار کودکان فردا / الموت لأمریکا  
 نوای لشکر حزب الله / الموت لأمریکا

## بند دوم:

پر شده هر میدان از طنین حیدر حیدر  
 ببین قیام ایران، ببین خروش لشکر  
 رسیده وقت مرگ صهیون، وقت فتح خیبر  
 الیوم یوم الخیبر (۳)

ما شیعیان حیدریم، فاتح هر میدانیم  
 ما پیرو راه عشق، فدایی ایرانیم  
 تا آخرین قطره خون، پای ولی می‌مانیم  
 بلند بگو بشنوه دنیا / حیدر یا علی مولا  
 زمزمه‌ی حضرت زهرا / حیدر یا علی مولا  
 دم امام عاشورا / حیدر یا علی مولا

**بند اول:**

رو شونه‌ها پرچم ایرانه  
خروش ذکر یا علی جانہ  
چہ حس خوبی دارہ این شب‌ها  
دلا ہمہ لبریز ایمانہ  
چہ اتحاد قشنگی  
بہ زیر سایہی علم داریم  
چہ اتحاد قشنگی  
میون صحن این حرم داریم  
ہمدلیم و ہم صدا، مرگ بر آمریکا  
ہم نوا با شہیدان، مرگ بر آمریکا  
برسہ بہ گوش دنیا، مرگ بر آمریکا

**بند دوم:**

روشنہ قلب ما بہ آیندہ  
نور امید تو دلا زندہ  
آرزومونہ توی دنیا شہ  
ایران سربلند و پایندہ  
حماسہ‌ساز جہانیم  
دشمنون بہ ذلت افتادہ  
حماسہ‌ساز جہانیم  
این خاک تا ہمیشہ آبادہ  
تو بلا و سختیا، جاویدان ایران  
نابود شہ دشمن ما، جاویدان ایران  
برسہ بہ گوش دنیا، جاویدان ایران

رجز | محمدجواد قدرتی

بند اول:

حب الوطن نشونہی ایمانہ  
نشونہی بزرگواری انسانہ  
آرہ یقیناً پارہای از جانہ، از جانہ، از جانہ  
حتّی بہ ذرہ از خاک کشورم ارزش دارہ  
مگہ میشہ ایرانی از، وطنش دس بردارہ  
کور خونده دشمنم  
من عاشق میهنم

بند دوم:

ترس خودش بہ حربہ شیطانہ  
برندی این جنگ فقط ایمانہ  
نشون بدہ کہ کشورت، ایرانہ ایرانہ ایرانہ  
لَا تَحْزَنُوا بِخُونِ هَر رُوزِ، شیعہ پر از امیدہ  
تو حیدر حیدر بگو کہ، دشمنمون ترسیدہ  
کور خونده دشمنم  
من عاشق میهنم

**بند اول:**

ما ہمگی بت شکنیم / گورتو آخر می کنیم  
سرباز راه وطنیم / گورتو آخر می کنیم  
جنگاور رویین تنیم / گورتو آخر می کنیم

با رمز یا شاه نجف  
تلاویو هدف بگیر  
حق شهیدامونو از  
دشمن بی شرف بگیر  
لبیک یا سد مجتبی  
امون نده به دشمن  
فرماندهی کل قوا  
ملت فدایی شما  
حیدر مدد حیدر مدد  
حیدر مدد حیدر مدد

**بند دوم:**

ما همه مرد میدونیم / گورتو آخر می کنیم  
شبا کف خیابونیم / گورتو آخر می کنیم  
قاتل آل صهیونیم / گورتو آخر می کنیم

بعد از شهید رمضان  
مقاومت کارمونه  
مشت گره کرده‌ی ما  
تنها علمدارمونه



سید علی گفته به ما  
 نترسیم از غیر خدا  
 ایرانه که داره فقط  
 هزار هزارتا جانفدا  
 حیدر مدد حیدر مدد  
 حیدر مدد حیدر مدد

**بند سوم:**

ما ذوالفقار حیدریم / گورتو آخر می‌کنیم  
 پیرو خط رهبریم / گورتو آخر می‌کنیم  
 مدافعان کشوریم / گورتو آخر می‌کنیم

داغ میناب تو سینه‌مون  
 مونده و جاودان شده  
 با خون رهبر شهید  
 ایران چه پر توان شده

سید مجید نقطه زن  
 ای شیر بیشه‌ی وطن  
 کُن فیکون شون بکن  
 ضربه‌ی آخر رو بزن

حیدر مدد حیدر مدد  
 حیدر مدد حیدر مدد

**بند اول:**

نخستین کلام آخرین حرف من  
تن فدای وطن، تن فدای وطن  
ندارم در این برهه جز این سخن  
تن فدای وطن، تن فدای وطن  
همین جان همین سر همین پیکرم  
فدایی آرامش کشورم (۲)

ایران، ای جان  
مثل طوفان  
ایران، مرز دلیران

**بند دوم:**

به پنهان بگو و بگو در علن  
تن فدای وطن، تن فدای وطن  
شعار شب و روز هر مرد و زن  
تن فدای وطن، تن فدای وطن  
فقط در پناه همین پرچمیم  
به امر ولایت همه با همیم (۲)

ایران، رخشان  
مهر تابان  
ایران، مرز دلیران

به صلح پراز رمز و راز حسن  
تن فدای وطن، تن فدای وطن  
قسم بر حسین بدون کفن  
تن فدای وطن، تن فدای وطن

بگو مرکز شیعه ایران ماست  
و حُبُّ الْوَطَنِ اصل ایمان ماست (۲)

ایران، جانان  
روح ایمان  
ایران، مرز دلیران

بند اول:

مشت حی • درم، دست برترم

روی سینهم اسم سلمان

ختم هر کلام، همین و والسلام

جمهوری اسلامی ایران

یک ایران راد راد / بر دشمن گردباد

یک ایران اتحاد / اتحاد اتحاد

یک ایران اقتدار / هم عهد و پای کار

یک ایران ذوالفقار / ذوالفقار ذوالفقار

مشت گره کن و بگو

مرگ بر خائن بی وطن

مشت گره کن و بگو

شاه ابالحسن

مشت گره کن و بگو

مرگ بر دشمن این نظام

مشت گره کن و بگو

بیرقِ مستدام

فقط، علی، تمام!

## بند دوم:

از این خاک پاک، زود بزَن به چاک  
 اینجا مهد عشق و دینه  
 تو قومی خون‌ریز، تو مثل چنگیز  
 ما آرش، ما رستم، ما تهمینه

یک ایران حق‌پرست / دور دور از شکست  
 ما رمیت اِذ رمیت / جونم به این ضربه‌شست  
 یک ایران یک هدف / با رَجَزِ لَا تَخَفْ  
 یک ایران صف به صف / بیمه‌ی شاه نجف

مشت گره کن و بگو  
 مرگ‌بر نطفه‌های حرام  
 مشت گره کن و بگو  
 از جلو نظام  
 مشت گره کن و بگو  
 مرگ‌بر سکوت بی‌دلیل  
 مشت گره کن و بگو  
 نَحْنُ فِي سَبِيلِ  
 خُودِ خُدا وَكَيْلِ

### بند اول:

به رخ آینه‌ها سنگ و ترک پاشیدند  
روی زخم دلمان طعم نمک پاشیدند  
هرکه امروز در این حول و ولا خندان است  
سهمش از عقل به والله فقط دندان است  
خوب بنگر! سوی دشمن کفنش آمده‌است  
و به خون خواهی حیدر حسنش آمده‌است  
مجتبی دل به قضا و قدرش می‌بندد  
دستمال پدرش را به سرش می‌بندد  
فکر کردند ترک، قاتل هر آینه‌ای است  
رهبر ما که پس از خامنه‌ای خامنه‌ای است  
در همهی مصاف‌ها سپاه ما غالب  
نحن شیعه علی ابن ابی طالب

### بند دوم:

از پس حادثه‌ها در سدد تو بیخیم  
سوره‌ی فتح‌ترین برهه‌ی این تاریخیم  
صبرمان هست چو لبریزتر از هر موقع  
ذوالفقاریم ولی تیزتر از هر موقع  
ابتکار عمل در وسط پیکاریم  
هرکه چیزی ست، اشداء علی الکفاریم  
ما و شمشیر و رگان پسر مرجانه  
وای بر توله‌سگان پسر مرجانه

عبدود آمده اما همه کراریم و  
حرف صهیون بشود دست بزن داریم و  
لای چرخش همه چون چوب چو ترمز هستیم  
گر دهان باز کند تنگهی هرمنز هستیم  
در همهی مصاف ها سپاه ما غالب  
نحن شیعه علی ابن ابی طالب

#### بند سوم:

بنویسید به سرمنزل ما طوفان را  
حاج محمود! بخوان بازهم ای ایران را  
با شکست و غم و اندوه زمانه قهریم  
جاء والفتح که سمفونی خرمشهریم  
می ایمان به خدا بین خُم ایران است  
وحدت ماست که بمب اتم ایران است  
کشور ما به خدا محکم از امداد رضاست  
خانه‌ی امن همه پنجره فولاد رضاست  
شعر هم اهلی این لحظه‌ی خوش عهدی شد  
شکرالله که ولی نعمت‌مان مهدی شد  
در همهی مصاف ها سپاه ما غالب  
نحن شیعه علی ابن ابی طالب

بند اول:

ما همه با هم لشکر عشق از نسل سلیمانیم  
عازم فتح قلّه‌ی عشق و عزّت و ایمانیم  
آیه به آیه سوره‌ی فتح و لشکر مجنونیم  
غرش شیر و نعره‌ی طوفان بر سر صهیونیم

آمده موسم نصرت از راه  
و عده‌ی حقه ان تَنصر الله  
صبح صادق شده بالثارت  
می رسد امر بقیه الله

می آید ز دل قدس / دم پیروزی ز بلندا  
بر لب فاتح خیبر / یا حیدر کرار

الْقُدُسُ لَنَا قُدُسُ لَنَا  
سُنُصَلِّي فِي الْقُدُسِ لَنَا  
الْقُدُسُ لَنَا قُدُسُ لَنَا  
أَخْرَجُوا مِن فِلِسْطِينَنا

## بند دوم:

آماده‌ی یک رزم طوفانی و پرشوریم  
 ما آیه‌ی نصریم و ما ملت منصوریم  
 فرمانده بده فرمان... ما تابع دستوریم  
 تو رهبر این امت... ما بنده و مأموریم

می‌رسد بانگ الله و اکبر  
 از صف رزم انصار حیدر  
 با ذکر لا سِيفُ اِلَّا ذُو الْقَعَارِ  
 می‌رویم تا دل فتح خیبر

می جوشد ز رگ ما، رود خون شهیدان  
 آری پای امامش، می‌ماند ایران

الْقُدُسُ لَنَا قُدُسٌ لَنَا  
 سَنُصَلِّي فِي الْقُدُسِ لَنَا  
 الْقُدُسُ لَنَا قُدُسٌ لَنَا  
 اَخْرَجُوا مِن فِلِسْطِيْنَا

## جزء | حسین یعقوبی وفا

### بند اول:

حالا که هدف گرفته دشمن ایران مونو  
چرا تنها بذاریم خاک اجدادمونو  
مثل شهیدامون قربونیه این خاک پاکم  
تا دم آخر پای علم تو سینه چاکم  
ضریان قلب من، ای وطن ای وطن  
خاک پاکت کفن، ای وطن ای وطن

### بند دوم:

ایرانی باشرافت، سلطه رو نمی پذیره  
می میره ولی به زیر ظلم احدی نمیره  
حالا که دیگه نوبت به شکاره یا حیدر  
وقت فرارته صهیون، اومده فاتح و خیبر  
ضریان قلب من، ای وطن ای وطن  
خاک پاکت کفن، ای وطن ای وطن

### بند سوم:

ملت امام حسینیم، غیرت علی به سینه  
لب تیغ ذوالفقار علی که در کمینه  
با دم حیدر حیدر نفس خصم و بگیرم  
حسنی ام پای فتنه رو از ریشه بچینم  
ضریان قلب من یا حسین یا حسن  
آسمونا هم میگن یا حسین یا حسن